

کارگر

زبیبون آزاد مردم زحمتکش

شماره ۲، سال اول، ۲۵ خرداد ۱۳۵۸

سرفصل

علیرغم فراندوم انقلاب پیش میتازد

سه روز پس از برگزاری فراندوم غیردموکراتیک - آقای بازرگان در پیام راد بو و تلویزیون خود - اینباری دولت و هیئت حاکم را از ارتجاع سیاسی ایران ابراه کرد - این پیام که سه روز تهیه آن فرصت نداشت - نخست وزیر کشور را به حالت گرفته و محبوس در پلست تلویزیون به نمایش گذاشت - محتوای پیام برای مردم زمختگی و شسته به - ایران که تا کنون این انقلاب ظاهر را آفریده اند - حساس محبوس نیز ناخوشایند است - پیام آقای بازرگان جمع بندی اولیه هیئت سرمایه داران و ملاکین بزرگ کشور را در اختیار میگذازد - این پیام مسائل حکومت سرمایه داری لژیونی را که از قیام پیروز مسروم - غیرایران بر سر دست - قدرت نشسته - آشکار کرد - حکومتی که قادر نیست تا طمانه علیه امپریالیسم آمریکا اقدام کند - قادر نیست - بلند گوی حقوق حقه نود و عظیم کارگر و زحمتکش در ایران باشد - قادر نیست که در راه گسترش انقلاب و هموار کردن راه مسئول آزادی و نجات از فقر و عقب افتادگی ناشی از دوران استبدادی سلطنت - قدمی بردارد - در مقابل ترانزایه سرمایه داران بازاریان و ملاکین که آقای بازرگان ابراه نمود - کارگران و زحمتکش نمیتوانند و باید ترانزایه خود را از اجماع کلیه اقوام ایران و مسائل مردم انقلاب حاضر بخت کرده و حل و فصل کنند -

خلاصه سخنان آقای بازرگان - نمایانگر خصیانتت قادر فریاد هی دولت و طبقه حاکم از انقلاب و دستاوردهای کنونی آن بود - تره یاد به دو ماه پس از قیام دوران ساز انقلابی بهمین ماه - هر کارگر و زحمتکش از مسائلی که با آن مواجه است مطلع است - کارگران از مسائلی که در کارخانه ها با آن مواجه هستند کاملاً با خبر هستند - روستایی دشمنان و موانع در مقابل خود را در رویتا نمی شناسند - ملت های ستمدیده برای کسب آزادی خصیانتت کرده اند - جوانان که تحت رژیم سلطنتی هیچ چشم انداز و آینده روشنی نداشته اند از نیازهای خود آگاه شده اند - اما در پیام آقای بازرگان از هیچ کدام از این مسائل مشخص و روشن خبری نبود - بجای خواسته های

قیمت در صفحه ۱

بامبارزات مردم ترکمن

انقلاب ایران

گامی بجلو بر میدارد

(صفحه ۵)

حقایق جدیدی از ترکمن صحرا

• در شهرهای منطقه ترکمن کنی راه انداخته اند

• اودان و جاقوستان حرفه ای به جان ترکمن ها افتادند

• گفته میشود بیش از ۲۰۰۰ نفر ترکمن قتل عام شده اند

• ضرورت تشکیل فوری کمیسیون تحقیق مستقل

(صفحه ۱۴)



انقلاب کردستان عمیق تر میشود

(صفحه ۶)

معنای قرارداد 'صلح' مصر و اسرائیل جنگ است

روزنامه های کشورهای امپریالیستی سراسر جهان این روزها کارتر را بعنوان آفریننده قرارداد 'صلح' خاورمیانه ستایش میکنند - این همانطوریکه اقدامات کارتر در مورد جنگ بین یمن شمالی و یمن جنوبی نشان داد - امپریالیسم آمریکا تبه لوی صلح بین مصر و اسرائیل - در حقیقت مقدمات جنگ در خاورمیانه را تدارک میدهد - در تاریخ ۲۱ اسفند - در حالیکه نیروی دریایی آمریکا در حوالی یمن مستقر شده و امپریالیسم آمریکا صیل وسیع اسلحه به یمن شمالی را سازمان کرده بود - "ولیم گرافورد" معاون وزیر امور خارجه آمریکا اعلام نمود که دولت آمریکا ۳۰۰ "مشاور" نظامی نیز به این کشور ارسال داشته است - این شخص همچنین در گزارش خود به کنگره آمریکا اعلام نمود که ایالات متحده برای حفظ منافع خود در منطقه - نفت عزیز شبه جزیره میمنان حاضر است حتی به جنگ دست بزند تا شبهه ای هم به یمن جنوبی و مدافعین کیهانی آن زده باشد -

برتاب چند صد "مشاور" به این منطقه همانطور که تهریه ویشام نشان داد - دلیلی راه را برای مداخله نظامی بیشتر ایالات متحده باز میکند - حتی بعضی از نمایندگان کنگره آمریکا اذعان دارند که که فضای حاکم بر روابط میانده غرضانی است که در سال ۱۹۴۳ به هنگام تهیه مقدمات جنگ در ویتنام در آنجا حکمفرما بود - کارکنان برای اولین بار پس از شکست آمریکا در ویتنام - بدون مشورت بسیار کنگره آمریکا - و تحت عنوان شرایط "امنطواری" و حفظ "منافع ملی" - بانکد و جنگ های آمریکا را روانه یمن شمالی نمود - جنگ اخیر آمریکا در شبه جزیره میمنان نشان داد که سفر کارتر به خاورمیانه و قرارداد "صلح" تنها برای افزایش مداخله نظامی آمریکا در خاورمیانه و پیچیدن نسخه جنگ بوده است - امپریالیسم آمریکا در این قرارداد اقدامات زیر را هدف خود قرار داده است -

قیمت در صفحه ۱

تسوده عظیم مطبوع و رسیده بوده ، پیام آقای بازرگان حاوی مسائلی بود که سر باده اران این اقلیت ناچیز ماند اوصاحب ثروت در آن مواجه هستند ، اگر چه آقای بازرگان بطور روشن و صریح این حقیقت را عنوان نکرد ، مسج الحیف رئیس مطالب عنوان شده در پیام او بر ما شناخت این حقیقت را روشن می کند ، خلاصه پیام آقای بازرگان که فراتر است مسائل در هفا میلیون مردم زحمتکش را عنوان کند بطراز زیر است :

مخاطر سودت و هفمت بیوزی تمام انقلابی امروز جامعه دارد چوب این حرکت سرسبز انقلابی را می خورد!

کارگران و بیگاران باید دست از نوبتات خود بردارند!

دانشجویان و محصلین دیگر نسیانند در میان کارگران باشند باید بسر درس و مشق خود بپردازند!

مردم باید کینه و نفرت خود را از اعمال و ابادی رژیم خونخوار سابق که هزارانستان را قتل عام کرد ، فریاد کنند!

سازمانهای مستقلی که وظیفه پاسداری از منافع عمومی را بر عهده گرفته اند باید مدخل شوند ، مردم باید از دخالت در امور دولت برهیزند که از دستگاه دولتی اطاعت کند!

مستقل به سیاست دولت گذراز باید در صدد جامعه را تشکیل می دهند ، بیگانه است این یک در صدد حکومت کنند!

معیان مردم محروم کردن زنان و ترکن ها واقعی نیست و نتیجه تحریک گروه های مختلف است - مبارزات مردم کرده زنان و ترکن برای احقاق حقوقشان ناشی از نوبتت در ت هفا های خارجی و عوامل ساواک ، تپانی و تحر بیگ است - دستجات طرفدار ترنیک ، با ظهرو یا مارکسیست است - از طرفی های مختلف باید در تارک خیلی قلی با بارونند شناخته فراوان ... بساط جنگ و کشتن را راه می اندازند !!

اینست خلاصه پیام نخست وزیر مسولت انقلاب - آقای بازرگان اعلام کرد که اگر به این نسخه پیشبندی عمل شود ، تمام بیبازی های جامعه از میان خواهد رفت تمام مشکلاتی که مردم خواهد گفت - نویسنده تمام نشوای بزوانه این تراژدی سر باده اران از انقلاب حاضر را پیشتر کرد - واقعتا این است که اگر این پیشبندیات جان عمل بخود گذرد از انقلاب حاضر چیزی جز جسد می برون باقی خواهد ماند -

برای لحظه ای تصویر کنیم کسه این پیشبندیات آت آت ای بارگرمی طبعی کرده - کارگران دست از خواست های خود بردارند - دانشجویان و محصلین به درس و مشق بپردازند - مردم ، دغاره زندان ساواک را فراموش کنند - انقاد از حکومت در همجا خاموش گردند - مردم شده بگرد و ترکن فراموش کنند که کرد و ترکن هستند و مشق وطنی بیبولی را تحمل شده اند و این مشق هنوز ادامه دارد - آبیوت که توده عظیم مطبوع شده است - سر باده اران جسد دلاک انجاد پیدا می کند - آبیوت بجای انجاد انقلاب ایران ، اتحاد طبقه جنگ هم سر باده اران گردی گفت ، تجار بیباز نویزند ، زمینداران بزرگ را خواهیم داشت - این واقعتا است که آقای بازرگان مشق کرده حلقه سر باده اران در ایران خاموش گردند انقلاب را از م می آورد - این تطبیق پیام سر باده اران طب افتاد و تحمیلی امپریالیسم جهانی قادر نیست که به خواستهای استقلال زندگان و شده بگاز در ایران پاسخ گوید - پیام آقای بازرگان بکار دیگر این واقعتا را تاقید کرد - توده عظیم مسروم زحمتکش انقلاب را آینه ده است که به حصول

خود دست بایند - اما حکومت سوده حکومت سر باده اران است و سر باده اران در ایران هیچوقت نمی تواند پاسخ گوی نیازهای مسروم توده شده باشد - قانون سیدت سر باده داری نیز با زیر است و تحمیل بوده و دیده ده ان - هر کس که نایبده این دستگاه باشد باید با به به وجه جده گنبد توده مردم از اراده امتیازات اساسی به مردم نظره بود و در خواست مسائل مرکب و شبر را تدرک بیند این حقیقت نظام سوده - اجتماعی در ایران است - آقای بازرگان این حقیقت را نیز بطریق میل خود انجان کرد -

اگرچه منتقدین به حکومت خود را کثیر از یک در صدد جامعه تعیین کرد ، میبندد! همه پیام خود را عملا می بایست پیچسب بده در صدد " اختصاصا " همد - چرا که این " یک در صدد " ارزیابی خود را از اوضاع و مسائل انقلاب بر پایه حقایق استوار می کند - و چون این حقایق بر توده عظیم مردم پویند نیست - همه تلاش دولت سوده در جهت مسامور ، افتریز و نمانتت کردن اقلیت است که حقایق را می گوید -

تعریف حقایق توسط سیاستمداران سر باده داری

آیا میدانید که اگر تمام انقلابی بهمین راه ، این طریقت ترین واقعه تاریخ سوا مسوولت نمی گرفت آقای بازرگان چه می گفت ؟ آقای بازرگان و دیگر سیاستمداران سر باده داری در آنصورت نمی گفتند که تمام انقلابی تسوده مسروم امکان پذیر نیست - اما حالا که تمام انقلابی باصلت و سوت فراوان سلطنت خونخوار را متلاشی کرد ، انجان دیگر نمی تواند این حقیقت را که همه بر آن آگاهی دارند نفی کنند - اما اینان هنگی حقیقتی دیگر را نفی کرده و تحریف می کنند - انجان می گویند که کس حقوق و برآورد کردن خواستهای افکار و طبقات شده بده سیدت امکان پذیر نیست - اگر حقیقت مشهورانه توده عظیم باید بود تا انجان تمام انقلابی را نشان دهد ، امروز نیز سیاست به هیستکی و عمل مشهورانه توده عظیم برای کس حوسیت هاشان مطرح شده است - نیازهای مردم محروم جامعه ما می تواند و باید رفع گردد - زمانی که آقای بازرگان می گویند این امکان پذیر نیست ، او نیز حقیقت را بیان می کند - امکان بر طرف کردن این نیازهای مسروم از طریق سر باده داری ایران غیر ممکن است - تنها راه حصول این خواست ها بسط مستقل افکار و طبقات شده بده است -

کارگران و زحمتکش در سراسر ایران امروز زندگی انسانی طلب می کنند - کارگران دستمه ها نشان را می خواهند - بیگاران کسار می خواهند - در شهر و روستا زحمتکشان سکن صاحب طلب می کنند - کارگران شرایط سالم ، انسانی و ایمن را در کارخانه ها می خواهند - کارگران اتحاد به کسارگران می خواهند - می خواهند کنترل خود را بسر توده جا بگین سلطه کارفرمایان و سر باده اران منضمور کنند - کارگران می خواهند در مشق رحمت هاشان را علیه تیره سر باده اران حفظ کنند -

در دوران سلطنت خونخوار سابق خواست های کارگران گلوله بود - تحقیقات دولت بهر این استوار بود که کارگر بیشتر است خفق خون بگیرد - کارگر باید خلق باشد چون جز عرق ریختن برای سر باده اران کارگر می گردی از بر نمی آید - و حالا که انقلاب شک این مطلب را اثبات کرده است - زمانیکه انقلاب نشان داده است که کارگر نایبند به سر باده داری نیست ، جامعه را می سازد و باید جامعه را رهبری نیز بکند - آقای بازرگان می گوید برآورد کردن این خواست ها امکان پذیر نیست - اما حقیقت اینست که یک حکومت انقلابی این خواست ها را می تواند یک شبه مرتفع کند - دلیل این حکومت آقای بازرگان

از پس اینکار بر نمی آید - اینست که اینست حکومت نمایانگر این انقلاب نیست - اگر نایبده حکومت انقلابی واقعتا از نظریه صحبت می کرد انطور می گفت : تمام دستمه های پرده اخت نشده می بایست فوراً برداشته شود -

میزبانه های همزانی - پارک سازی ، مسکن ، لوله کشی ، وسائل حمل و نقل ، بنده اشده و تعلیمات برای مردم زحمتکش ریخته شده است و همه در این کشور از غرب کار خواهند داشت -

در سراسر کشور ، در تمام کارخانهجات کنترل کارگران بر تولید اعمال خواهد شد - هر کس کارگر و زحمتکش را مورد تبعید قرار دهد ، بمخاطر عقایدش او را کتوب کنند مطابق قانون مجازات خواهد شد - بجای کار برده وار برای سر باده سوده دار ، کارگران تولید را کنترل خواهند کرد و از مسائل تعلیمات ، تفریح ، کتابخانه ، پارکها که خود نیازشان را تشخیص داده اند - برخوردار خواهند شد -

نایبده حکومت انقلابی بجای پیام گسای بازرگان می گفت که برای انجام این برنامه ها تمام بانک ها و منابع بزرگ ملی اعلام میبندد - حقوق سر باده از کشور منوع شده - بجای وام به سر باده داران همه امکانات ملی دولت در جهت ارضای نیازهای توده شده بده بکار خواهد رفت - این نوع اساسی حکومت سیه باده داری آقای بازرگان با یک حکومت نایبده کارگران و زحمتکش است - کارگران و زحمتکش با حقوقش نیازمند هستند که حقوق و نیازهای انسانی را مانوق همه چیز تراری می دهد - حکومت آقای بازرگان تابع نیاز های سر باده اران برای سود جوش است - سود جوش سلطنت افراز می دهد - اینست دلیل اساسی این واقعتت که حکومت آقای بازرگان نمی تواند به نیازهای مردم شده بده پاسخ مثبت دهد -

این واقعتت را نیز آقای بازرگان در پیام خود بطریق امثال خود بروشی انجان کرده - آقای بازرگان گفت که " مسروم حومه " لازم است - این یک حقیقت است که سر باده ای که در جنگ سر باده داران است در شرایط انقلابی حاضر بیرون می رود و بپرد کشی وقت زمان فراوان لازم دارد - سر باده این امرهین تمام جوامع سر باده داری ، در مقابل طغیان مردم شده بده تنگ نفس می گردد و دیگر مسروم سیدت شده بده " پیام " حومه " آقای بازرگان این واقعتت را انجان کرد -

سر باده اران ایران امروز همه دست و پای خود را جمع کرده ، روی توت هاشان نشسته است - هنگی در فکر صادر کردن سر باده خود خارج هستند - زندگی فقرزده و مانوق این صیحت عظیم کارگر و زحمتکش اینست واقعتا بازرگان می کند - این نشان می دهد که کارگران و زحمتکش با وظیفه ملی کردن کسار گسای های امپریالیست ، کلیه بانک های کشور بده هستند - در نتیجه آقای بازرگان نایبده نیسود -

در این شماره:

هاش است که در خلاف جهت انقلاب حرکت می کنند - مردم شده بده برای کسب حقوق شده خود انقلاب کرده اند - آقای بازرگان با مسامور و جلوترگی در فعالیت آزادانه احزاب کارگری ، علیه آزادی شان و جمع علیه حس کارگران به شکل سندیکا ، علیه برنامه های همزانی ایجاد کار همگانی ، علیه حقوق ملیت های شده بده ، علیه حق روستا تیان به صاحب زمین و زمین آلات ، علیه حقوق کامل و مساوی زبان گویش می کند -

انقلاب فقط می تواند از طریق اقدامات پیگیر در جهت گسترش دموکراسی و اقدامات ضد امپریالیستی به حیات خود ادامه دهد ، کسب حقوق کارگران و زحمتکش - خواست های توده عظیم مردم شده بده فقط از این طریق قابل حصول است - حکومت سر باده سوده اران که آقای بازرگان نایبده است سبه خلاف این صیحت گسترش انقلاب صدمت گسوی کرده است - انقلاب ، سلطنت پهلوی این تکمیلان خونخوار سابق امپریالیسم و در ایران را سرنگون کرده و نظام مقرر می دهد - انسی و افکار و عقب انداختن را در ایران نفی کند - آقای بازرگان مخالفش برهنه کش کردن امپریالیسم از کشور است -

بهمین دلیل تمام پیام آقای بازرگان علیه همان مسائلی منوع شده بود که مایزده ضد امپریالیست در ایران را تخلیه می کند - تمام تعلیمات سوا آقای بازرگان علیه مبارزات کردستان و ترکن ها و بیبازاری سیاسی کارگری ، از اینجا ریشه می گیرد - اما اکثریت قاطع جامعه طرفدار مبارزات کردستان و ترکن صرا هستند - اکثریت طرفدار گسترش دموکراسی هستند -

پیام آقای بازرگان یک مطلب اساسی را روشن کرد - طبقه حاکم ، سر باده داران و زمینداران سر باده دار ، و کلیه سیاستمداران سر باده دار بطرف راست در حرکت هستند اما حقایق آنچه در نواحی ملیت های شده بده ، در ترف کارخانه ها ، در دبیرستان ها و دانشگاه ها ، در میان زحمتکش شبر و روستا می گذرد - هنگی حالکی از بی مسوولت توده ای شکی به نفس است که طبقه اصحاب حکومت ظالمتی است - تجربه می آسوزد - توده ای که تاکنون سلطنت خونخوار را بسر انداخته و حاضر به اطاعت از خود جوسان و عناصر متفطر سر باده اران زمیندار نیست - بکتی مرکزی سخنرانی نخست وزیر - حلقه به حلقه های شده بده و جنبش های گسود و ترکن ها از کسود و حلقه های سرکوب نظرات سازمان های کارگری و انقلابی و احزاب سیاسی از سوی دیگر بود - بهمین جهت نایبده حکومت سر باده اران حتی با اعدای پیش از ۲۱ میلیون آری در رفراندوم هنوز هموس و همسانی بود -

مبارزات قهرمانانه کردستان و ترکن صرا و مسئله رهبری جنبش کارگری و مسئله انقلابی توده عظیم کارگر و زحمتکش و سرنگونی سلطنت پهلوی و سنگاه

- ۱- ارجحاً چهجانی - قرار داد " صلح " مصر و اسرائیل طبقه جنگ علیه فلسطینیها همه لغو ارب
- ۱۱ چرا پوتورا اقدام کرد
- ۱۲ بازگشت نشین به روسیه
- ۱۳ سالگرد جریگ کابل مارکس
- ۱۴ معنای ضد غرب گسای آقای بازرگان چیست -
- ۱۵ معایق چه دی از ترکن صرا
- ۱۵ موجودیت قانونی حسرت کارگران سوسیالیست باید به رسمیت شناخته شود -
- ۱۶ برنامه مبارزه علیه بیگاری و استعراج کارگران -
- ۱۶ در صدد و شتم فرستادن " کارگر " خانه دیده -

انقلاب کردستان عمیق تر میشود

حسن نوری

سنجح در ۱۱ فوریه بین ۱۰ هزار یکه به در حلقه پس از پایان کشتار سنجح بدست نیروهای پادگان و قوای نظامی فرسودگان شده از مرکز - اوضاع شهر طاهر آرام بنظر میرسد - ولی هنوز آثار حمله ارتش به مردم سنجح که طی آن صدها نفر کشته و مایهترو صبیح شدند - به چشم میخورد - به در و دیوار بسیاری از مغازه ها و منازل شهر، پنجره های رنگارهای زمینی و تیراندازی هواکنس از هلیکوپرها دیده می شود - در مقابل اینست سؤال که در روزهای قبل از محه چه اتفاقی هلیکوپرها دیده می شود - در مقابل اینست سؤال که در روزهای قبل از محه چه اتفاقی در سنجح افتاد - بسیاری از مردم میخوانند که های فلزی باقی مانده از عیارها هزار بمبها را بشما نشان دهند و لقب افتخانه میکنند که این صدها دولت بازرگان به مردم سنجح بوده است -

ولی حلقه ارتش به سنجح نتوانست به هدف اصلی خود - یعنی شکستن روحیه مبارزه جوانان مردم کردستان برای دستگیری به خواست های مردم خود - دست یابد - بکسی حلقه اخیر نه تنها به بسیاری از زندگانشان کردستان آبرود که دولت کویتی حاضر نیست - کوچکترین امتیازی به خلق سنجح نداده گسرد به دهد - بلکه هیچگونه اتحاد و همکاری بین توده های کرد برای حفظ دستاوردهای اقتصادی و پیشبرد آن مسجودت آورد - در حقیقت روزهای حمله ارتش و هوای ارتش - هزاران نفر از روستائیان اطراف و هزاران نفر دیگر از اقمی نقاط شهرهای کردستان برای کشته به بازمان و خواهران خود به سنجح آمده اند - بسیاری از مردم میگویند که سنجح چنین روزهایی از ویسور نعمت را هرگز نبوده نه به بود - روستائیان برای مردم محاصره شده و تحت حمله شان و اینها - می آید و آنرا جانان توزیع نمیکردند -

کریکترین و خالت در تعیین سرنوشت خود و سلسله کردن ناموران خود گام - دولت مرکزی به رجان و مال زمینکشان اینملیتها - قدرتی انحصاری قطعی به انقلاب این مردمان سنجح داده و داد است - مردم کرد حساسان سرتیونی ریم شاه را بمنزله لفظ پان ستم میخوانند - آزادی ملی خود می دانند - میخوانند زبان و فرهنگ خود را آزادانه پیش می دهند - میخوانند عقب انداگی شده به اقتصادی نجات پیدا کنند - میخوانند بجای انتخابات از مرکز - نمایندگان خود را از میان خودشان انتخاب کنند - در یک کلام حق تعیین سرنوشت خود را طلب می کنند -

این ملیتها برآ شده - همین جنگجویان برای مدتی گردن خود را به دامنه ای گند که مسأله مربوط به کرد و عرب و آذربایجانی و ترکمن و بلوچ نیست - بلکه دولت به مردم همه مناطق ایران - به یک چشم نگاه می کند - و میخواهد که اینها در امور حلی خود "مسئول" و "مسئوم" باشند - ولی تمام حرف های دولت بسیارگان در مورد آزادی زبان و میان و مساوات بفره - مردم محروم ملیت های سنجح به در با حضور در آوری به این مسأله آگاه می کند که تاکنون تا چه اندازه از ابتدا ترین مسائل بسیاری توسعه فرهنگ خود محروم بوده اند - سه مدرسه به زبان مادری خود را دارند - سه دانشگاه ها و ادارات خود را دارند و سه دانشگاهیان متحصص خود را - در چنین شرایطی - اشاره به وجود مساوات و آزادی زبان - بیش از پیش در صورت حکومت بازرگان در مورد مسأله ملی را برای مردم محروم این مناطق آشکار می سازد -

اکنون در هیچ کجای ایران مسلسل کرده ستان - عوامی که بین ۱۰ میلیون هسا نفر سنجح شده اند که برای سرنگون کردن رژیم شاه فیرمانده ای چگونه - و در کشکی که اکنون به سرکار است پرتوج احساس نمی شود - در مقابل خواست های بحق خلق کرد - حکومت بازرگان تیر و تانک و هلیکوپتر و فانتوم به کردستان می فرستد - برای توجیه این عمل به زهرگان ترین تریاجه ها و دروغها در مورد خواست های مردم کردستان دست می زند - از نظر حکومت آقای بازرگان - سرلشکر قوای ملی که در سنجح مرکز دست تیراندازی به روی مردم بدفاع سنجح را میدهند - انقلابی "جهش ملی" است ولی آن دستاورد به جهت روستای اطراف سنجح که صدای قسرتش فانتوم ها و رگبار مسلسل هلیکوپتر هسا را می شنود - برای کتک به خواهران و برادران خود به شهر می آید "شد انقلابی" و "ناموران بیگانه" است -

در جریان حمله ارتش و عوامل کمیلوسه انقلاب اسلامی سنجح به مردم - پیش از ۲۰۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر محروم شدند - بسیاری از جنبه های این حمله با آرزوی جوانان سنجح در تقاضای شاه به نظافتات تسخیر شده ای مردم در شهرهای مختلف ایران است - هلیکوپترها بسیاری از مردم را در خانه ها و باغها یا در هوا به رگبار مسلسل بستند - گمانیکه در جریان این حمله دستگیر شده و داده اند که لشکر گارد در محلات ناجی شرکت داشته اند - افراد گارد جانی سنجح که قرار است منحل شده باشد - از تیرمان ها هوما به کرامت شاه آورده شده و از آنها با هلیکوپتر به سنجح فرستاده می شوند -

های ارتش همان دروغ های قدیمی شاه در مورد "جهش ملی" و "تحریک جوامع خارجی" برای تبدیل مردم ایران دادند - بنسب مسأله انقلابی ای که در همان روزهای اول کشتار از طرف سرلشکر قوای مستتر شد - "گشتی" نظریه ریگانه و عجیب شد انقلاب "تحتانی" را در سنجح شرح کردند که ارتش بنا بر سه وظیفه ملی و "انقلابی" خود محسوس در هر کس در ایران به اندازه توده های محروم ملیت های سنجح به در با معنای واقعی این عبارتی ها و افتراها آشنایی ندارد - برای بیش از ۵۰ سال سلطنت پهلوی تحت همین لواها - به سرکوبی توده های زمینکشی کرد - بلوچ - آذربایجانی - ترکمن و عرب ادامه داده بود - این ملیتها به انتها از ابتدائی ترین حقوق خود یعنی اساسی از زبان و آموزش فرهنگ خود محروم شده اند - بلکه محکوم به زندگی در مناطق گسرد فقر و عقب انداگی اقتصادی آن از طرف دولت مرکزی دامن زده می شد - امیرالینست - های خارجی برای امانت استیلا خود سر سراسر ایران - دست به ظایق می زدند - در بین تمام مردم سنجح به در ایران زمین - اقلیت های ملی ایران را که همچنان اکثریت جمعیت جامعه را تشکیل میدهند - محسوسه شده به ترین اعتراضات ها - و دستگیری های ملی قرار دادند و از ابتدائی ترین حقوق اساسی و ملی محروم کردند -

حقیقت سرتیون شدن سلطنت پهلوسی در ایران - برای این ملیتها به معنای بسیار گسرد راه برای آزادی ملی است - انقلاب - کردستان - بمنزله سرانکار انقلاب ملی این ملیتها برای پایان دادن به زندگی کشتار کرد شده و کسب آزادی ملی است - ولی حکومت بازرگان که بر اموال قیام پیروز شده اند همواره بقدرت رسیدند - ابتدا در خرابا برمیستند شناختن حقوق پایمال شده این ملیتها نیست - محلات بیای این دولت به حقوق و موزکات مردم سراسر ایران و جلوگیری از از شرکت توده ها در دست گرفتن سرنوشت خویش - خود را به بازرترین جنبه در مورد ملیتهایی که برای کسب حقوق ملی محسوس وارد مبارزه می شوند - نشان میدهند - البته حکومت بازرگان در چارچوب انقلاب عظیمی که سلطنت با سرنگون کرده و شوقی برای تمام سنجح به دگان جهان برای رهائی از یوغ زجر امپریالیسم است - نمی تواند - در حرم و روی کاغذ به خواست های حقیقی ملیت های سنجح به در با تفاوت بهانه - وار همین رو است که جنگجویان دست است ازتار می کنند که در گذشته ظالمانی نسبت به

در جریان حمله ارتش و عوامل کمیلوسه انقلاب اسلامی سنجح به مردم - پیش از ۲۰۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر محروم شدند - بسیاری از جنبه های این حمله با آرزوی جوانان سنجح در تقاضای شاه به نظافتات تسخیر شده ای مردم در شهرهای مختلف ایران است - هلیکوپترها بسیاری از مردم را در خانه ها و باغها یا در هوا به رگبار مسلسل بستند - گمانیکه در جریان این حمله دستگیر شده و داده اند که لشکر گارد در محلات ناجی شرکت داشته اند - افراد گارد جانی سنجح که قرار است منحل شده باشد - از تیرمان ها هوما به کرامت شاه آورده شده و از آنها با هلیکوپتر به سنجح فرستاده می شوند -

حقیقت سرتیون شدن سلطنت پهلوسی در ایران - برای این ملیتها به معنای بسیار گسرد راه برای آزادی ملی است - انقلاب - کردستان - بمنزله سرانکار انقلاب ملی این ملیتها برای پایان دادن به زندگی کشتار کرد شده و کسب آزادی ملی است - ولی حکومت بازرگان که بر اموال قیام پیروز شده اند همواره بقدرت رسیدند - ابتدا در خرابا برمیستند شناختن حقوق پایمال شده این ملیتها نیست - محلات بیای این دولت به حقوق و موزکات مردم سراسر ایران و جلوگیری از از شرکت توده ها در دست گرفتن سرنوشت خویش - خود را به بازرترین جنبه در مورد ملیتهایی که برای کسب حقوق ملی محسوس وارد مبارزه می شوند - نشان میدهند - البته حکومت بازرگان در چارچوب انقلاب عظیمی که سلطنت با سرنگون کرده و شوقی برای تمام سنجح به دگان جهان برای رهائی از یوغ زجر امپریالیسم است - نمی تواند - در حرم و روی کاغذ به خواست های حقیقی ملیت های سنجح به در با تفاوت بهانه - وار همین رو است که جنگجویان دست است ازتار می کنند که در گذشته ظالمانی نسبت به

ارتش و مبارزه خلق کرد
چرا ارتش این چنین وحشیانه به مردم سنجح حمله کرد؟ - دولت بازرگان و ژنرال -

کشتار اخیر سنجح در زمان حکومت دولتی برپا می شود که برعکس نمونه مبارزه برای سرکوبی استفاده پهلوی به قدرت رسیده است - انقلاب ایران که برای مردم - شکستن مساوت سلطنت و تمام ظاهر ظلم و ستم و بدیخی آن میلیونها نفر از زندگانشان کشور را به حرکت آورد - برای توده های ملیت های سنجح به در ایران - بمنزله سرانکار مبارزه برای آزادی ملی بود - پیش از ۵۰ سال سرکوبی و وحشیانه سلطنت پهلوی محروم کردن ملیت های غیرایران از زبان مادری خود - فقر اقتصادی همراه با عدم امکان

کشتار اخیر سنجح در زمان حکومت دولتی برپا می شود که برعکس نمونه مبارزه برای سرکوبی استفاده پهلوی به قدرت رسیده است - انقلاب ایران که برای مردم - شکستن مساوت سلطنت و تمام ظاهر ظلم و ستم و بدیخی آن میلیونها نفر از زندگانشان کشور را به حرکت آورد - برای توده های ملیت های سنجح به در ایران - بمنزله سرانکار مبارزه برای آزادی ملی بود - پیش از ۵۰ سال سرکوبی و وحشیانه سلطنت پهلوی محروم کردن ملیت های غیرایران از زبان مادری خود - فقر اقتصادی همراه با عدم امکان

تا تعیین تکلیف خود مختاری در رفواندوم شرکت نمی کند" - "شرکتست در رفواندوم حیات به خلق کرد است" - اینها از جمله شعارهایی است که بر دیوارهای شهر سنجح دیده می شود - البته اینجسا شعارهایی نیز در طرفه آری از رفواندوم به رای داده و حرکت آورد - برای توده های محسوس - ولی سنجح یکی از نقاط معدودی در کردستان است که متحدین برای رفواندوم در آنجا وجود دارد و از بلندگوهای برخی مساجد مردم را برای شرکت در رفواندوم دعوت می کنند - یکی از این مساجد در خیابان فردوس سنجح از شب قبل از آغاز رفواندوم شروع به تبلیغ در باره جمهوری اسلامی به

مبارزات خلق کرد - الهام بخش ستمدیدگان
علیوف کشتار وحشیانه سنجح - حکومت آقای بازرگان نطق به سرکوبی مبارزه قهرمانانه خلق کرد شده است - کشتار سنجح جملگی رومیه مبارزه برای آزادی به ادامه مبارزه برای رسیدن به حقوق ملی در کردستان را بیش از پیش افزایش داد و باعث مقاومت کردستان در مقابل تهاجم دشمنان می توان جوامع ملیتی به این سؤال تلقی کرد: "حالا که به مرافه آمدن ناراحتی ام بیشتر شد - پدر و مادر و خانواده من که اکنون در مرافه زندگی می کنند - چگونه اید رفواندوم شرکت نکرده اند - و ما هم به خاطر شرکت در رای گیری سرنوشت می کنند" -

کردستان "مائی که تکوین از بیستادارشی پیدا است" - مردم کردستان نموداری انقلابات "ارتش اسلامی" را به درنده و خدامی توانند حد می های هم راجع به جمهوری اسلامی - برزند - از نظر بسیاری از مردم اینجسا - رفواندوم در حرکات سنگی است که دولت جلوی طرح روشن و صریح مسأله حق تعیین سرنوشت کردستان انداخته است و کوچکترین کلمه مثبتی راجع به خواست های مردم کردستان نمی گوید -

زبان کردی و فارسی می کند - بشد گسوری بسیار قوی این مسجده که صدایش در بسیاری از مناطق شهر شنیده می شود - ادعا میکند که با رای دادن به جمهوری اسلامی - حق خود مختاری کردستان تعیین خواهد شد - ولی همه ای که بیژان بسیاری رای دادن به مسجده میزند بسیار محده و حساسند - شاید بتوان گفت که از چند صد نفر تجاوز نمی کردند - گفته می شود که در مهاباد به علت عدم استقلال مردم - اصلا هیچ صندوقی رای وجود ندارد - در کلمات این هم شرکتست بسیار ساده است - هنوز ۱۰ روزی بیش از کشتار سنجح نگذشته است - برای مردم

سند به دادی است که برای گشت حقوق حقیقه مردم به مبارزه ادامه میدهد. ترکمن ها در اولین اعلامیه های خود حمایت و همبستگی کامل خود را با خلق کرد اعلام داشتند. در تمام بدنه داخل ارتش به سندیچ چشم گشوده زمینگشان شلخت های سنده به داد، به همبستگی ترکمن ها، بلوچ ها و لغراب به مردم کردستان درخته شده بود. شکست نطقه های دولتی و بازرگان و ستاد ارتش در قلع و قمع سبزه قهرمانان کردها، روحیه مبارزه جوشی در این ملت ها را بیش از پیش افزایش داده است. علوم تعلیمات بازرگان و دیویسین و مسائل ارتباط جمعی تحت کنترل دولت مرکزی. سنده به تیرین اقتدار جامعه، یعنی کودتای برای پیش از ۵۰ سال معنای شوم ملو را با پوست و استخوان خود به دراز کرده اند. بطور غریزی و طبیعی با مبارزه خلق گسرد افغان همبستگی و وحدت کرده اند و شکست نطقه های دولتی مرکزی و ارتش در سندیچ را به پیوری خود دانستند.

دستهای ارتش از کردستان کوتاه

در طی چند روز گذشته که اخبار مربوط به حمله ارتش به ترکمن ها و گنشار سنده به داد به ترکمن به گوش مردم سندیچ رسید. شور و هیجان جدیدی را بدنیال آورد مردم سندیچ بهیتر از همه از معنای این حمله و تبلیغات زهرآگین دولت در مورد «خیزش ملیان» باخیزند. در روز پنج شنبه ۹ فوریه پس از تظاهرات چند هزار نفره ای در صابند از مردم ترکمن در سندیچ برگزار شد. در حقیقت این تظاهرات براساس تشیع جنازه عدو ای از مبارزان سندیچ بود که برای کمک رساندن به برادران و خواهران ترکمن خود به گنبد فاروس می رفتند و در پیوستن راه در تعادف انجمن گنبد شده بودند. این تشیع جنازه به صورت به تظاهرات سیاسی برای همبستگی با ترکمن ها تبدیل شد.

همسنگ خلق کرد با مبارزه ملیت های سنده به داد دیگر منظر است. کردستان که سالها طعم چکه و شلاق پهلوی را چشیده و معنای ستم ملی را می داند بطور غریزی خود را هم سبز مبارزه همه سنده به دادگان این اجتماع خلق می کند. جا دارد خواستند که این خلق قهرمان نیز در مبارزه جامعه ملیتین افکن شود. نباید در ایند کشتار سندیچ بهیتر بماند تا حکومت سرکشی دوباره برای به خون کشیدن این خلق مبارز دست به بیخ ناز ای زند. گنشار سندیچ توجه بسیاری از زمینگشان براساس ایران را بخود جلب کرده است. نباید احضاره داد که تمسارهای خونخوار تخت لاری جامع این زمینگشان دست خود را بپوری برادران و خواهران کرد می کشند. موقع این سنده به داد که همه نیروها و گروه های بیگناه و افغانی سنده به داد به بیخ زمینگشان براساس ایران برای حمایت از خواست های حقوقی خلق کرد برتند. از جلسات سخنرانی در

دانشگاه و بخش حفاظی کردستان در پیوستن کارگران گرفتار تظاهرات راه پیمان هسا باید تمام دستهای ارتش از کردستان کوتاه کرد. همه جا سبزه مبارزه از کردگان. یادگاران های کردستان. جانی که آذربایجان لشکر گارد خود را برای کشتار ناز ای آستانه می کشند باید تخلیه کرد. زمینگشان ایران هیچ مصلحتی در سرکشی خلق کرد و پاسنر ملیت های سنده به داد ایران ندارند. خود بخاطر پیشتادی حکومت آقای بازرگان با ستمیکه خوب و ناسک و هلیکوپتر ارتش مردم کردستان را در رعب و وحشت نگه داشته اند، فریبش پیش نیست.

در یادگانه های کردستان چه می گذرد

از زمین و هوا شروع شد. در میدان نرس طی چند روز گذشته در برخورد هائی بسیاری کنترل بازار این شهر انجام گرفت. با آنکه نظیر مردم سندیچ مطابق توافق قبلی دولتی مرکزی و حزب و موکرات کردستان. مسللا از طرف این حزب به کار یادگان نظارت می نمود، با آنکه اعلام شده که این یادگان دیگر سنده انقلابی نیست. طرفدار مردم است، اینک باز جوشی که مردم برای گرفتن استلحه به این یادگان مراجعه می کنند، از طرف محافظان بطرف مردم نیراندازی شده و عدوهای کشته و مجروح می شوند.

سرازی که هنگام مراجعت از کرده ستان همسر من بود، اطلاعات بیشتری در مورد اینکه در داخل سایر یادگان ها چه میگذرد و اختیارات من گذاشت. این سبزه را در یادگان بنام در قلب کردستان خدمت میکند و با استفاده از مریضی به شهر عزم می کند. او می گفت که پس از تمام پیمان های نیراندازی سبزه در این یادگان نیز دست سبزه اعتراضات وسیعی می شوند، نمایندگان خود را

در یادگانه های کردستان چه می گذرد

انتخاب کردند و خواستار برگزاری و مجازات برسی از فرماندهان و فرمان و زمینگشان این یادگان شدند. او می گفت زنی هر بار که ما خواستار برگزاری یکی از این افسران شد انقلابی که در زمان شاه انواع و اقسام تعدیات را به ما می کرد می شد. یک شخصیت مهمی را از قلم و با سایر شیروا می فرستادند و ما را به کسر و برداری تشویق می کردند. او اضافه کرد که البته در اثر اعتراض شده به سبزه از بالا خود بعضی از بنام ترین افسران به جاهای دیگر منتقل شدند.

از او پرسیدم اکنون در یادگان چه می گذرد. جواب داد که ضمن می شود ما را همیشه در حال آماده باش در مقابل خطری نامعلوم نگه دارند. در نیمه شب گمان می آید آماده باش می دهند و میگویند سنده ای از کردگان برای تصرف یادگاران می آید. به یادستور داده شده که به سبزه چینه ای که به اطراف یادگان می آید بلافاصله شلیک کنیم. می گوید هنوز مجازاتها

تظاهرات همبستگی کردهای مقیم مرکز

در روز پنجشنبه ۹ فوریه در ماه جمادی پیش از ده هزار نفر در محوطه جشن دانشگاه تبریز برای اعتراض به گنشار ارتش در سندیچ گرد آمدند که حدود نصف آن را کردهای مقیم مرکز تشکیل می دادند. گروه از قبل اعلام شده بود که این گرد هم آئی آرام و صلح آمیز خواهد بود. مع الوصف اعلام می نمود برای تحسین و ارتباط شرکت کنندگان از ساعت ها قبل با پلاکاره های در جلوی دانشگاه اجتماع کرده بودند. به پیروی از نوشته بودند که "قار" لغت دارند عین خوانده سندیچ و ترکمن. صراحا در دانشگاه تبریز گزار نمایند و از همه خواسته بودند که دانشگاه را ترک نکنند ولی نظیر می رسید که گس به حرف بنیسا توجهی نمایند چون اکثر مردم با بی اعتمادی از جلوی آنها به می شدند و جمعیت شرکت کنند به تدریج افزایش می یافت.

تظاهرات همبستگی کردهای مقیم مرکز

هر سرداد. آنچه که در گرد هم آئی روز پنجشنبه پیش از همه جلب توجه می کرد. تعدادی از بچه ها شنگ و یک خوراکی بزرگ تفریح شده را گرانگ می بود که در دست در جلوی جا پلاک سخنران قرار داشت. از این نوع شماره ها در جلسه ارتش به مردم سندیچ استفاده شده بود. برگزار کنندگان این گرد هم آئی. اینسرا را هدیه پیوری حکومت و ارتش به مردم سندیچ و کرده ستان می خواندند.

پس از شروع سخنرانی ابتدا اعلامیه سازمان انقلابی زمینگشان کردستان خوانده شد. در این اعلامیه به گنشار ارتش در سندیچ اعتراض شده و همچنین گفته شده که سیاست های دولتی و ارتش فعلی نسبت به کرده ستان شباهت های بسیاری به سیاستهای ارتش شاه دارد.

پس از پایان این سخنرانی، پیام های مختلف همبستگی از طرف گروه ها و سازمانهای سنده به داد ایران خوانده شد. در پیام هائی که از طرف خلق عرب ایران خوانده شده، آنان همبستگی خود را با گنبد خلق هسای ایران و بیزه خلق کرد اعلام داشتند. از طرف ترکمن ها. اعلامیه ای خوانده شد که در آن برای سرکشی تقاضای کمک شده بود و گفته شد که باوران دولت به خانه های آنان حمله می کنند و وسائل آنان را به آتش می کشند. و مبارزات ها از قبول پیروچین خودداری می کنند. در این گنبد

در دانشگاه صنعتی، مبارز الله بهیاد قیوم، نمایندگ کردهای مقیم مرکز سخنرانی کردند و گفت که "طلایی که تا چنان از طرف دولت در این زمینه حقوق بشر کرده ای ایران شده، جاری مفاهیم کلی است. آنها تکلیف ما را روشن نگرداند و فقط عده داده اند که در آینده خواست های ما را در نظر بگیرند و این کافی نیست." نقل از پیوسته اموزی.

در پایان یک قطعنامه ۵ ماده ای خوانده شد که در آن "مجازات فاسد روی روحانی های جنا پنگار را که عامل و محسوس اصلی این کشتار بوده و تمام عهد مناسبت، برادران و مادران و خواهران را

آنها رهبری آیت الله سید عزالدین حسینی، "ایران همه ری نیست، همه خانواده ها از ترکمن که عزیزان خود را از دست داده اند" و جنبشهای قاطع از "خواست های برحق خلق برادر ترکمن در مطالعه حق تعیین سرنوشت" و بالاخره اعتراض به "روش بقره و مغرمانه" را به خود پیوستند. در پایان تصمیم گرفته شد جلسه دیگری در روز ۱۶ فوریه در برگزار گسرد و در آن نمایندگان کردهای دیگر انتخاب گردند.

هفته نامه "سوسیالیست گارگی" تبریز آزاد مردم زمکشی، نشره ای است که به تحلیل و بررسی گزارش واقع اختصاص یافته که در ویژه مورد توجه جنبش مبارزان کارگران، سوسیالیان، جوانان و دانشجویان زبان و ملیت های سنده به داد است. نشره ای است که مختلف تاریخ جلب توجه، لطعاتی از یاد بیات سوسیالیست افغانی را از تصدیق مقالات با افغانی نظریات نویسندگان را برای می کنند و نظریات گارگی نیستند. مقالات بدون افغانی بر میانه مارکسیسم افغانی استوار هستند.

گارگی، تبریز آزاد مردم زمکشی، سردبیر: بابک هراتی
اعضای هیئت تحریریه: حسین نقوی، حسن صبا، آذر نظری، سعید غازی، حمزه کاویسی، علی گلستان، وحید ناصر، مبین نجفی.

میته گذشت. به هنگام انجام قراردادها، شریک کارگر صاحب ای با یکی از کارگران مجاز شرکت نفت در اهواز انجام داد. آنجا همه در زیر میز است. قسمت‌های عدد ۱۰ این صاحب میته است.

ج: بعد از پیروزی قیام ۹۹ بهمن و سرنگونی رژیم سلطنت و روی کار آمدن دولت موقت، کارگران اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت نفت که در جهت سرنگونی رژیم بود چه سبب‌های ملی کرده است؟ در شرکت نفت چه گذشت؟ آیا کارگران اعتصاب به حواس‌های حسود رسیده است یا نه؟

ج: از نظر من اولین حرکت ملی را که دولت انجام داد، ازین بردن کمیته‌ها همانگی شرکت نفت بود که به ابتکار محمود کارگران و کارکنان وجود آمده بود. یعنی کمیته پاک پاره بود که چه کارگر و چه کارشناس در آن تشکیل شده بودند و من می‌دانم که نظر مشترک چه در مورد اعتصاب و چه مسائل دیگر بودند. و دولت موفق شد با اعزام آقای پارگان به اهواز کمیته همانگی اعتصاب را

عوض شده اند. چون همه مردم می‌دانند که نفس اعتصاب طلعت دست ضحمت نشد است. ما دیدیم که در دوره قبل از انقلاب چه نقش حیاتی اعتصاب کارکنان صنعت نفت در سرنگونی رژیم داشت همچنان با اعتصابات در بخش‌های دیگر صنعت نیز اعتصابات روی داد ولی هیچ کدام نقش اصلی نسبت را نتوانستند ایفا کنند. منظور البته نه اینست که اعتصابات دیگر نیست بلکه بحث بر سر خیره شکننده ای است که اعتصابات کارکنان شرکت نفت پاره آئید. دولت هم بخصوص از این مسئله آگاهی داشت و به من می‌پنداشت که فوراً به فراهم آوری یک تنظیم اعتصابات واقعی برای کارکنان صنعت نفت اقدام کرد. مثلاً بطور مشخص تمام حلقه‌های دوره اعتصاب که از سپتامبر سال گذشته شروع شده بود برآید شد. همراه با عدد ۱۰ تا ۱۲ درصد اضافه حقوق.

البته هنوز اختلاف حقوق زیادی وجود دارد. مثلاً کسیکه ۲۰ هزار تیران حقوق می‌گیرد. حالا هم اضافه حقوق و معنی گرفته است. ولی اگر من کارگر در واحدهای دیگر

دارند که چگونه است. کارمند در دفتر کارگر نشسته یا کلوز و تمام چیزها به او بگر می‌دهد چه در آن عوای داغ و لعل نایب بود کار کند. هر چند وقت یکبار هم از محل کنار خود بیرون می‌آید چرا که اگر نایب سحر و عدای همه بلنت می‌نویسد. ولی کارگر می‌بویور است در گویا. سرما، باران، گرگ و عیار کار کند. طهر هم که می‌شود نه فرصت پیدا خوردن دارد و نه جای نشانی. چیزی که در جانی کار سایه گیر بویور و غذای بخور و نسیمی بخورد تازه آئید چه غذای - غذا یا می‌نوازند گرم کند آب خنک ندارد منتها تمام مسائل راحتی در اختیار کارمند قرار گرفته است. وقتی کارگران درخواست می‌کنند که حداقل یک آب سرد در آنجا و اختیار آب سرد بگذرانند می‌گویند که شرکت بود چه نداره. در صورتیکه برای کارمندان آب سرد در کسپل است سرد خانه برایشان گذاشته اند. چه در سردخانه ۵ هزار لوانی برای شرکت قدور است ولی آب سردی ۲۵۰ توانی مضمون نیست. تازه آئید هم حق کارگر است که از این مزایا برخوردار باشد. چیزی نیست که شرکت به کارمندان اعطا می‌کند. ما برای این شرکت کار می‌کنیم برای نفت ملی کار می‌کنیم و صدقه هم از هیچ کس نمی‌خواهیم و حقوقمان را می‌خواهیم. این وظیفه ما است که حضان را از دولت و شرکت درخواست کنیم.

توضیح در شرایط فعلی حلقان بقدری در شرکت زیاد است که هیچکس نمی‌تواند از اجزای طبقه بکند. ما انقلاب کردیم خانواده من چندین نفر کشته داد تا عدای حق طلبانه ما را به گوش جهانیان برساند. ولی الان وقتی که می‌خواهیم در محیط شرکت نفت حرفی بزنم همه به من حمله می‌کنند. البته کسانی که جزو کمیته تبلیغات نام جیبی هستند. همه می‌خواهند که ما دهستان را بندیم تا شاید دولت انشا' الله تا دروازه حال دیگر به وضع ما رسیدگی کند. ما می‌گوئیم اگر دولت انقلابت باید بطور اخصاس عمل کند یعنی سرما و سوزانه. چگونه دولت توانست که اقدام چند هزار سواراکی بحق سرما اقدام کند ولی نمی‌تواند راجع به وضع ما سرما اقدام کند. دولت مسئله فرصت را مطرح میکند که مردم باید فرصت دهند. ولی آزادی را به دست آوردیم و به این آسانی هم از دست نخواهیم داد. اگر دولتی این سیاست حلقان را ادامه دهد. من کارگر صنعت نفت این را احساس می‌کنم پس از مدتی کارگر صنعت نفت چنین دولت دست به مبارزه خواهد زد. برای اینکه تمام خواست‌هایش را در دست دولت باریگان و آیت‌الله خمینی می‌بیند. ولی اگر به این خواست‌هایش رسیدگی نکند و به آنها پاسخ درخور ندهد دیگر این شخصیت‌ها برایشان مهم نخواهند بود و به دنبال شخصیت‌های دیگر می‌گردند که به خواست‌های آنان جواب مثبت بدهند. ما نمی‌خواهیم که انقلاب ما با شکست مواجهه شود. ما می‌خواهیم کسانی که در صدر مملکت قرار می‌گیرند به مملکت خدمت کنند و کارهای بقیه انجام دهند.

ما از آقایان انتصابی و خبرنگاران و کسانی که پشت تلويزون می‌آیند و ده سخن سر می‌دهند رضایت نداریم. همه جا صحبت از کارگر، دهقان و زحمتکشان می‌کنند و تاسف بزرگ تمام روزنامه‌ها است و این کتاب‌ها نوشتن می‌دهد ولی عملاً مشاهده می‌کنیم که هیچکس اقدامی برای این طبقات نشده نمی‌شود. ولی در مقابل هرکجا می‌بینیم دولت در حال سرنگونی انقلاب است. انقلابی که برای آزادی می‌مبارزه می‌کند. ما می‌خواهیم پلد اتحاد به در شرکت بوجود بیوریم که پشتوانه تمام کارگران شرکت و تمام کارگران و زحمتکشان ایران باشد. طبقه ای من هم باش‌هایی که در این شرکت می‌شود، البته بازمی‌روم و طبقه‌ها می‌بینم. من دستم چتسپا با سر و تأمل. یکی از خواست‌های

بروم و بگرم که چرا به من ۱۰ درصد اضافه حقوق بده اکت می‌نویسد و به کارمندان با برتریه ۲۵ درصد. من می‌گویند که توشه انقلابی هستی. تو نمی‌خواهی با دولت همکاری کنی. باید صبر داشته باشی. من در جواب می‌گویم چگونه این حکومت می‌تواند به کارمند عالی‌رتبه ۲۵ درصد اضافه حقوق بدهد ولی به من ۱۰ نمی‌تواند.

در مورد اختلاف بین کارمندان و کارگران ایما کاملاً با چشم می‌توان دید. مثلاً فریادگه‌های مخصوص هست که کارکنان با حقوق بالا می‌نویسند از آن جنس خبرند. بهترین اجناس با نازلترین قیمت. ولی کسی فریادگه‌های ما کارگران اجناس را به نفت می‌فروشند که در پلده جاها به فروش می‌رسد. برای کارگر تری ندارد که این اجناس را از این فریادگه‌ها بگذرد یا از شهر خریداری کند. تازه اجناس لوکس هم در این فریادگه‌ها به هیچ عنوان پیدا نمی‌شود.

اگر کارها بدوش کارگران است. کارمندان کارشان بسیار آسانتر و راحت است. مثلاً در تاپستان که گرمای اهواز را همه خیس

صاحبه بایکی از کارگران شرکت نفت

'ما آزادی را بدست آوردیم و به این زودی هم از دست نخواهیم داد'

از این سرد. بجای آن باد خورا تشکیل شد که همه آقایان انتصابی بودند. البته که در سه شصت و چند نفر که انتصاب شده‌اند چند نفر آدم‌های خوب وجود دارد. ولی درسی نباید از کارکنان شرکت نفت به کارمندان خیلی پایین است. مثلاً از این ۶۲ تا ۶۴ نفر ۵۹ نفر کارمند هستند و بقیه کارگر. مثلاً می‌بینم که از قسمت‌هایی که کارگر با کارکنان زیادی دارند هیچ نتیجه‌ای وجود ندارد. ولی از قسمت‌های دیگر کارمند خیلی کمی دارد و اصولاً در اقلیت هستند. ۴ بیلسان نماینده کارمند انتخاب شده‌اند. تا شانزده بصد هاش که مربوط به پنج کتونی کارگران است در این شورا مطرح نمی‌شود. من می‌بینم امروز که سوزاک می‌رود هیچ قانونی که به نفع ما باشد موجود نیامده است و با می‌بینم که قانون همان قانون کار سابق است. ریسا همان رؤسای سابق. و می‌بینم همسان و می‌بینم سابق. نفت هم مثل سابق می‌شود اجبار می‌شود. معاملات نفتی هم همان معاملات سابق است. شرایط همان شرایط سابق است منتها رؤسای گردن کلفت سابق

ایالات متحده است. از نظر امپریالیسم آمریکا این قرارداد مناطق تیرا در بر دارد:

- با حاشی نمودن ارتش بحر خلیج اسرائیل، این قرارداد دست رژیم صهیونیست را برای تجاوز و دخالت در سرزمین فلسطین باز می‌گذارد و آنرا برای حمله به لبنان، سوریه و عراق، حتی ارتش شوقین می‌سازد. در حقیقت در روز ۱۲ اردن در همان زمانی که کارتر در واشنگتن بعنوان "صلح طلب" ستایش می‌شد، آتش توپ‌های ارتش اسرائیل شهباندها و در ۷ کیلومتری بیروت را با خاک یکسان می‌نمود.
- این قرارداد، بی‌رحمانی فلسطینی‌ها را تشدید می‌نماید و آنان را از حقوق حقه و ملی خود محروم می‌نماید.
- در تاریخ همین امر، در روز ۱۲۲ اسفند ارتش اشغالگر اسرائیل در کرانه رود اردن در جوان فلسطینی‌ها که به دست‌های اسرائیلی قرارداد "صلح" دست‌زده بودند با آتش گلوله به قتل رساند.

ولی جلب حمایت ابراهام لیکسایدات به سیاست‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب فلسطین به این اندازه خنده‌ناخواهد داد. انقلاب ایران هم اکنون بزرگترین امید را برای مردم فلسطین به برهان آورده و اقتدار جهانی آنان توسط امپریالیسم و صهیونیسم را شکسته است.

شایسته این پاسخی که مردم ایران به قرارداد بحر اسرائیل دادند. تظاهرات ۱۰۰۰ نفری تهران در تاریخ ۲۲ اسفند بود. با این تظاهرات وسیع، رژیم گمشده ایران یکبار دیگر همسنگی خود را با مردم فلسطین نشان دادند. سخنان نماینده سازمان آزاد بخش فلسطین در این تظاهرات به بهترین وجه بیانگر خاسته کارتر در قرارداد "صلح" خاورمیانه بود: "کارتر به خاورمیانه آن را اختلاس جدید علیه انقلاب فلسطین و ایران ساریان دهد. ما به کارتر همدارم در همین، ما او را در زیر پای خود له خواهیم کرد - این سخنان با استقلال به شور تظاهرات‌کنندگان ریویو شد.

انقلاب فلسطین بیش از هر زمان دیگر اکنون به ابزار همسنگی مردم و رستگاری ایران نیاز دارد و اقداماتی نظیر تظاهرات ۲۲ اسفند بهترین مبین اینگونه همسنگی‌هاست.

برای ایران همسنگی اولیه بسیار ضروری فلسطین و مخالفت با سیاست‌های جنگ - طلبانه ایالات متحده، با پیشی شعارهای زیر شعارهای ما باشند:

دست‌های امپریالیسم آمریکا از این کوتاه!
دست‌های امپریالیسم آمریکا از انقلاب ایران کوتاه!
دست‌های امپریالیسم آمریکا از خاورمیانه کوتاه!
زنده باد همسنگی انقلابی مردم ایران و فلسطین!

حملات جدید به فروشندگان کارگر

بازبین حزب که برای تحویل گرفتن نشریه کارگر به استگاه انجمن مراجعه کرده بودند، در راه بازگشت دستگیر و چندین ساعت زندانی شده بودند. آقای بازرگان ایما داشت که مخالفین حکومت وی بیش از یک‌دهم را در بر می‌گرفتند. مع الوصف این اقلیت بجزاب بیش از صدم خود مسود می‌گردد. ضرب و جرح و دستگیری و زندان قرار می‌گیرد.

همه جانپزین راه آزادی باید در پیشی تمامی اخبار مربوط به حملات به حقوقی و دگرگانی‌ها بگوشند و در دفاع از این حقوقی و گمانیکه مورد حمله‌اند تصدات استنادگی کنند - صفحات کارگر را ما در اختیار اقتضای هر چه دستمیر این حملات قرار می‌دهیم.

• ارسال میلیون‌ها دلار اسلحه جنگی به رژیم‌های اسرائیل و مصر.

• بررسی امکان‌ها برای تأسیس پایگاه‌های هوایی نظامی در مصری سینا.

• تشکیل "پاگان پنجم" در افراسین هند - برای انجام این تصمیمات، کارتر بودجه جنگی آمریکا را به مبلغ "پانصد" ۱۲۵ میلیون دلار - بیش از ۷ میلیارد ریال - به "سالیانه" نقد ایران افزایش داده است. پس از تحریک فتح امپریالیسم آمریکا در ویتنام، "ویجیه" ضد جنگ در میان مسود و کارگران آمریکا تا حدی بالا رفته است که دیگر آمریکا قادر نیست نظامی را با آزادی کامل دست به داخله نظامی در سایر نقاط دنیا بزند. این "ویجیه" مخالفت در میان "طبقه کارگر آمریکا، دقیقاً عاقلی است کارگرها را وادار نموده سیاست جنگ طلبانه خود را تحت‌الفاظ و لغت پرزگتی‌های "صلح امپریالیست" عرضه نماید.

طی ماه‌های اخیر آمریکا را مسیبت‌انسان از سرقت‌ها و بزه‌های سرما به داری امریکایی که همگی یکصد به حمایت از سیاست‌های کارتر برضات اند دریافت. روزنامه "وال-استریت جورنال" جنگجوی بانک ارا امپریالیسم آمریکا در شماره ۹ مایس ۱۸۱ اسفند در این مورد نوشت: "اگر بخوام سیاست‌های آمریکا به امنیت و ستانمان را تعیین نماید، هیچ چیز مؤثرتر از حضور خود نیروهای ایالات متحده در این منطقه نخواهد بود - هنگامی که حامیان سرما به آمریکا حسبت از "قیامت" و "امنیت" به مان می‌آورند، مقصود آنان حفظ منابع طبیعی‌های آمریکا نیستی و "قیامت" رژیم‌های طرفدار آنان علیه مردم آن کشورها است. این دقیقاً عاقلی است که بخاطر آن امپریالیسم آمریکا به جنگ در ویتنام دست زد.

کارتر همین نموده است این اقدامات نظامی کارگر خود را برای مقابله با "سطح" گری خوری" توجیه نماید. ولی عاقلی‌گره انقلاب ایران بوضوح نشان داد، عدم نسیات رژیم‌های اردن، عربستان سعودی، و مصر و غیره به خاطر "تجاوز" شوروی، بلکه بخاطر ستم، استثمار و عدم وجود عدالت اجتماعی در این اجناعات است. و همین عوامل است که باعث گشادن توده‌های کارگر و ده‌ها سال به انقلاب می‌شود.

صوری انقلاب ایران و سرنگونی رژیم شاه که یکی از مستحکم‌ترین دره‌های امپریالیسم آمریکا و خاورمیانه بشمار می‌رفت، تیرس از اینکه انقلاب ایران الهام بخش انقلاب "مشاهیر" در این منطقه گردد. و آشنگتن را مجبور ساخت که با خناب به سوازیب نمودن سیل اسلحه به خاورمیانه و عقد قرارداد "صلح" بین مصر و اسرائیل دست بزند - این قرارداد به هیچ وجه به نفع ایران نخواهد آید. این قرارداد یک اتحاد ضد انقلابی برای بنیاد کردن ملی جنگ امپریالیسم

هنوز سخنان آقای بازرگان بیان فرمودند و حملات به "طرفداران توتنگی" خاصه نسبت به این حملات در نقاط مختلف در حال به اجرا درآید.

روز پخشته ۱۶ فورورد بن کسی د گسر از هواداران حزب کارگران سوسیالیست در ایوازه که در جلسه کارگران بکار شهر شرکت داشت توسط تعدادی از اعضای کمیته امام دستگیر شد. این عده وی را به بدگفتگی گرفتند و پس از ضرب و خراج وی را به کمیته بودند. د روزگار د وستان وی که برای بررسی و جوی حال او به کمیته رفتند نیز دستگیر و زندانی شدند و هر سه نفر تا پایان شب در زندان بسر بردند. دادستان در صحبت خود با این عزیزان گفته است که البته آنها را در بخش‌های خود آزاداند ولی آزادی هم ندارد. روز قبل نیز عده د گسر از

یک زندگتن، یک فرد ایرانی اول باخشی‌گاه بشود و بعد از او را ریز گشته شود - به عقیده شخصی من در وقت موظف بود قبل از اینکه اعلام جمهوری اسلامی می‌گردد، قبل از اینکه برای این جمهوری اسلامی تبلیغ می‌گردد از یک یاد استگمایان حزب مختلف همچون جمهوری اسلامی دعوت می‌کرد که هرگز تمام سادات‌ها و زویرها بوسیله نشریات، راه‌پس و تلوویزیون خطی سطح سیاسی، اقتصادی خود را برای مردم مردم بازگو می‌کردند تا تمام افراد ملت با کلیه خواست‌های این حزب آشنا می‌شدند. با خط‌های سیاسی این حزب آشنا می‌شدند تا بعداً بتوانند در مورد تان تفاوت‌ها را بگویند و بعد از اتمام این‌گاه ملی دولت موظف بود کلیه انواع حکومت‌ها را بعنوان الگو قرار داده و از مردم تقاضا کند هرکس به هر نوع کمونی که مایل است رأی دهد - این می‌توانست تا اندازه ای یک جنبه دموکراتیک خودش بگردد. ولی می‌گویند خود چیز را بیپایان فرآن می‌بینیم. ولسی خود نشان گذاران این جمهوری اسلامی می‌گویند که ما تمام افراد‌های جمهوری اسلامی را در آنچه واقع شده است، از جمله آنها می‌دانیم که جمهوری اسلامی می‌تواند ایزاد داشته باشد و در سال‌های آینده رفع می‌شود و از طرف دیگر می‌گویند قرآن یک کتاب آسمانی است و هیچ نوع آزادی ندرند. نظری شخصی من بعنوان یک سؤال این است که از این آیتان سؤال شود که وقتی قانون از یک کتابی که هیچ نوع انگالی ندارد و تالیف می‌شود چرا قانون این جمهوری اسلامی ایزاد هاست بیه؟ می‌کنند که در حال‌های بعد سیاست‌ها تصحیح بشود! اگر معتقدیم که قرآن هیچ نوع انگالی ندارد، چرا این‌ها می‌نماید در سالیهای آینده هیچ نوع انگالی برایش پیش می‌آید. پس چرا این اسپراند از همین الان می‌دهند که اگر هر نوع انگالی برای جمهوری اسلامی پیش بیاید تا در سال آینده تیر طرف می‌کیم؟

حالا کارگر به دنیا چیزی که آشنایی دارد جمهوری اسلامی است بخاطر تالیف‌تعلی فون العاده و زیادتی که در این موقعت‌تعلی برای جمهوری اسلامی شده بخاطر طولی‌گری از بخش کلیه عقاید مختلف این تلوویزیکی حزب مختلف با کارگر. نتوانسته‌اند که با بگری داشته باشند. کارگر مجبور است به جمهوری اسلامی رأی دهد. منتها این رأی‌دانش فقط بعنوان یک رأی دهنده نیست - او خود می‌تواند در فعال این رأی‌مستول می‌داند در ضمن دولت‌ها هم در مقابل ایستن رأی‌مستول می‌داند. کارگر صنعت نفت رأی‌دهنده که به خواست‌هایش برسد - کارگر صنعت نفت و بلیه مردم رأی می‌دهند تا تمام فشارها، تمام کمبودهای زندگی‌شان تمام اخلاقی‌ها که در گذشته وجود داشت برطرف شود. اگر برای این کارگر با این ذکنت‌تعلی‌حیما می‌کنند که هنوز همان بساط گذشته وجود دارد. همان تبعیضات همان فشارها و کمبودهای اجتماعی فرهنگی و اقتصادی. همان سوا استفاده‌های دولتی وجود دارد و دولت تغییر کرده مطلقاً نه تنها کارگر صنعت نفت بلکه تمام مردم بکاربرد بلند می‌شوند. حالا می‌خواهد هر نوع حکومتی باشد - می‌خواهد جمهوری اسلامی ولی من بنده شخصاً را می‌گویم - من بخاطر اینکه نسبت به این قرارداد و انگارای داشت رأی ندادم.

۱ - فورورد بن ۱۳۵۸

ندان مسئول تمام اقدامات و شرکت‌ها است. در حالیکه انجمن نیست، شایسته است کارگران شرکت ۶ یا ۷ برابر کارمندان را، ولی با وجود این اصلاً اهمیت به کارگر داده نمی‌شود. مویسای بسیاری بران رنده و رنده در آمده می‌دهند - من نمی‌توانم این عده‌ها را چنان ببینم. برای بدست‌نمودن خبر است. اگر شرکت‌ها همان‌کاری برای کارگران انجام دهند از این اصنام می‌دهد - اگر قرار بود کاری هم شود که من کارگر را به آینده شرکت و امیدوار کنم می‌توانست در شروع کار با انجام دهد - این بدینش که در مسر فرجود آید به باعث می‌شود که من دیگر در اعتمادی داشته باشم و اعتمادش را کنم. در شرکت هیچ مقام، حقوق شخصیتی کارگر قابل نیست - و صرفاً همه اش رفتار است.

• سؤال دیگر من در ویتنام است قرآن و خواران عرب در خورستان با عهدت آنها در شرکت نفت - یک چیزی که به چشم می‌خورد موقعت‌تعلی‌های است بعنوان انسان‌های درجه ۲ روی که با آنها رفتار می‌شود. می‌خواستم ببینم چنان کارگران عرب در شرکت

• چه اتفاقی در مورد می‌داند در شرکت اسلام کارگرین وجود ندارد - این بسک موجود بود ای که همان سوا که بسز خود - بلج، آه‌تیرچانی می‌شد در تمام عاقلی‌ها هم عاقلی‌ها منتها آنها بلند شده کاریزه را تشکیل می‌دهند ولی سریب - صورت برآگده زندگی من و متشکل می‌شود. در رژیم خورتنه من رژیم بی‌پولی می‌شود و طرفی برای عرب در این مملکت تشکیل می‌دهند - تا سید به دم که در جنوب هیچ یک مشکل و چاشنی با مشکل فرهنگ، شرکتی به آنها داده نمی‌شود. مسئله تحت این عرب بی‌پول، عرب فرهنگ ندارد، عرب نیست و از همین بویست‌های کسی که مردم می‌داند سعی می‌کنند که عربها "صحنه اجتماعی" از "صحنه" هستند و در درجه پنج اصنامک انسانیت عرب باشند. الان در کسری دهات عرب هستند و درجه پنج اصنامکک اصل می‌کنند آنها سلفا حقوق دارند - در این زمان موظف است به آنها بدهد - در اینکه این حقوق حقه آنها است. انگارای این حلقا من خلق عرب می‌شود. انگارای این اصنامک - اگر عربی که در این مملکت می‌باشد بعد از سال تحت ستم بوده و حالا تقاضای دولت نمی‌تواند آنرا بعنوان بسک بگریز یک اخلاقی، و یک عداوت مرکب می‌باشد پس می‌تواند با اغراب باشد - قدم به آن صورت که هرکس به استاده روی خود می‌شود به اندازه ای که استعاضات در مقامی داشته باشد. با جانسی در عهد داشته باشد - اغراب این حق را دارند. بزرگترین انقلابی نماینده داشته باشد، همسالی نماینده داشته باشد، در شرکت هیچ نوع تبعیض در استعاضات‌شان مع وجود و مثل بقه برادران سلطان محجسم اند. اینها را استعادم کنند.

• من عاقلی‌گره مطلع همسند دسویرو فرزندم بود برای تعیین نوع حکومتی که ایران می‌خواهد داشت و هم اکنون اعلام کرده که جمهوری اسلامی بعنوان شکل حکومتی است. شما رابطه ای بین این نوع سیاست‌های خوب‌های برادران کارگر در گذشته و سایر خواهران و برادران کارگر جدید و با اصولاً این دولت را نمکس عاقلی‌گره‌های رستگاری بالا حسیس همان می‌بینید یا نه؟

• عاقلی‌گره‌ها نمی‌توانند در مورد قرارداد و است که قرارداد یک قرارداد و دموکراتیک و یک قرارداد و تعلیلی بود - با چیزی ایرانی آری و نه را قبول نداریم. بسیاری چنین چیزی محتوا ندارد. یک کارگر -

در روز ۱۶ فروردین، شوالقاری، بنابر به دار آویخته شد. بیونیک سال قبل بسه جرم قتل پدر یکی از مخالفین سیاسی آن حکومت شده بود و دادگاه عالی پاکستان نیز حکم مرگ وی را تأیید نمود.

علیوم صحت و با نظر این اتهامات، به بیس است که بیونیک برای مدتی قریب به شش سال که زمانه از امور پاکستان بود، مستقیماً در قتل و زنجاری ساختن هزاران نفر که تنها "جرم" آنها طلب آزادی و حقوق دموکراتیک بوده، دست داشته است. از اینسو او می‌بایست برای گناهانش توسط نمایندگان کارگران و دهقانان سزایده پاکستان محاکمه می‌شد.

جرا بوتورا اعدام کردند



دانشجویان گریزا برای خواست‌های نظامی انتخابات آزاد و لغو حکومت نظامی دست به تظاهرات زدند. کارگران بارها محل کار خود را ترک نموده و به تظاهرات پیوسته اند. آنان خواستار حقوق دموکراتیک شده و پیوسته اقداماتی در جهت سیردن بعضی از صنایع ملی شده به دست بخش خصوصی، معترضین شده اند.

در پیاده گشته، کارگران صنعتی شهر لاهور ماس برای برگزاری سالیان قتل کارگران که در سال قبل در انتصاب شیر "پولشان" به قتل رسیده بودند، برگزار نموده‌اند و تظاهرات و مبارزات عملی این تمل، لغو حکومت نظامی، برابری آزاد بپایه دموکراتیک، برگزاری انتخابات عمومی و آزادی "کیسه" زندانیان سیاسی شده اند.

از آن جهت که توده های مردم پاکستان از اقتضای رژیم "شیرا الحق در اعدام بیونیک" یعنی ابراهیم آنان - آگاه هستند، و برخی از تظاهرات اخیر، شمار آزادی بیونیک به چشم می‌خورده است، علیرغم اینکه همه از سابقه "جنایات وی آگاهی دارند.

با وجود این که بیونیک در دوره "حکومت خود - مدعی می‌کرد خود را "پار و بسازر توده ها" جلوه دهد، اقداماتش در دست

هفته های حکومت نظامی، گنجه" اعتراضات، تظاهرات و فعالیت های سیاسی کارگران شروع کرده بد و آنگاه به مخالفت با رژیم وی می‌پرداختند.

تحت عنوان بازگشته به "حکومت اسلامی"، برای ترس و ایجاد توده "مردم - ششای زدن در ملا عام، بخاطر کوچکترین نقض قوانین حکومت نظامی برقرار شد. پس از حال حساس حکم اعدام برای اولین بار و در معرض شعور اجرا گردید.

سازمان طبیعت، برقرار شد و بیونیک به نگاران و نویسندگانی که معترضین شدند به زندان انداخته شدند. قول انتخابات کلیتاً به تعویق انداخته شده است و شیرا "الحق" محاکمه" بیونیک را دلیل آن معرفی نموده است - با نزدیک شدن اعدام بیونیک، صد ها غیر از مخالفین سیاسی رژیم به زندان انداخته شدند و پیش از این رژیم که در پاکستان برقرار گردیده حاکی از این است که بلاتکی که بر سر بیونیک آمد، می‌تواند بر سر هر فرد دیگری نیز می‌آید. از همین جهت است که توده های مردم پاکستان به مخالفت طبیعی اعدام بیونیک پرداختند. آنان از مخالفت با مبارزه ای علیه دموکراتیک و سست تر کردن جنگل خونین آن بر حقوق خود می‌دانند.

در این میان هر جوان گنجه ای اسپرانت نیز بار دیگر فریضی یافتند تا به ترمیم "جبهه" معترضین خود بر مردم "خونین ترش" دست بزنند - کارنو و جبهه کالاهان نخست وزیر گنجه ای خواستار سفر بیونیک شد - و پس جنایات انبیا در ایران در حالت تاز و شاه و سایر نقاط جهان پیش از آنست که بخوانند با چنین اعتراضات "جبهه" خود را معرفی نمایند. اعدام بیونیک توده های پاکستان درک نموده، بخاطر ایجاد ترس و ایجاد در دستگشان و واقفین در پیرونه آنگاه و در نهان طبقه حاکم فقط از طریق دادگاه های ناپدیدان خود - دیدگان پیشرو خواهد بود.

ولی "شیرا الحق" و دیگران نظامی تعلی پاکستان به منظور اجرای عدالت بیونیک را بسه "جبهه" دار لغو است. وی در لاق "پگسپوری" داد است. می‌تواند با او در زند بست، معطی محیطی آنگاه از ترس و وحشت برای مخالفین سیاسی خود براهینند. به اینجای کتبه گنجه ای که طبعه دموکراتیک نظامی وی برمی‌خیزد - دست بیونیک - این اعدام در پیوسته در زندانی سیرت گرفته که رژیم "شیرا الحق" با آرزوی در سراسر پاکستان پیروز شده است.

عاطیه تظاهرات در سال قبل که در آن هزاران نفر کارگر و دانشجو به خیابان ها می‌رفتند و خواستار حقوق خود و دموکراسی گشته هنوز از خاطره دیکتاتور پاکستان حو شده است - در آن زمان جمله "توده های پاکستان شوجه بیونیک بود - شیرا الحق اکنون می‌تواند که این جنبش یکبار دیگر سر بر آید و رژیم نظامی وی را آماج حمله قرار دهد. او خطوط شاه و حکومت نظامی ایرانی در ایران و سقوط داود در افغانستان را دیده اند و می‌داند که در این ناحیه "تغییر پذیر" رژیم او نیز می‌تواند فریضی یک جنبش انقلابیسی کرد.

طل چند ماه گذشته، جلای از راهبان توده های مردم از حکومت فعلی و احزاب دست راستی واقع آن دیدار شده است.

انقلاب پیش می‌تازد (سرمقاله)

دولت در ایران را به تیره انداخته. کارگران، معلمان و سربازان مبارزین بطرف یافته تا حکومت خود را متشکل نمایند. پیوسته به بنای جامعه ایران را آغاز کنند - قوام بیوسن یاد گیر هیبت، خونخوار دیراری، تسمارها و مستشاران امپریالیسم را شکست - قدرت حکومتی از میان رفته و با آن قدرت مرکزی سابق قدرت سرکوبی خود را تا حد زیادی از دست داد. با برده شدن سربازان حقیقتاً آرد کشی بیونیک از جامعه، مردم سنده به قدرت برای از هم زودن زنجیرهای ساری بار برده ملی می‌بایستند.

سراسر گردستان را عجزان و محیبسان انقلابی مردم سنده به کرده خرا گزید. انقلاب ایران با برداشتن صانع شیطانی مطلقیت وحشی در مسیر پیوستی قرار گرفت. اما پاسخ دولت آقای بازگان به این گسترش انقلاب، به این مبارزه شهیدانه مردم سنده کرده برای حفاظت از انقلاب ایران، آتش بود. هم آتش گوله و هم آتش حتی سیمگن کسر افترا و تحریف حقایق انقلاب این مردم زمینگش. اما گردستان خم برده است، با بیاندگی سنده و بسج شهیدانه مردم گرد در سراسر گردستان، به تنها گردن خم برده است. بلکه حکومت سرپایه داری حاضر موفق به عقب زدن انقلاب ایران نشد. با فاجعه "نیرو" های ارتشی که به سرکوبی گردستان گسسر بستند. موفق به خفه کردن گردستان در مودن نشدند. در عوض حکومت مرکزی جیسور به مذاکره با رهبران گرد کرده بد - ارتشی مرکزی قادر به سرکوبی سنده و گردستان نشد و این پیوستی طبیعی برای آه ای حیات انقلاب معلوم ما بود - سرش گردستان شعار مردم سنده "ترکین شد -

دولت مرکزی تیره های شتاهم نظامی را علیه ترکها - ای شهیدان اسروری

در پیاده ترمیم کند، برپایه "ستم ملی استوار است، بیونیک گنجه ای بیونیک بین آزادی طبیعی از تحت ستم و آزادی در سراسر کشور پیشی از پیش رویش شده است. این حقیقت اسروری عیان شد است که سنده امپریالیسم در ایران، یوغ ستم ملی را بر ملت های تحت ستم، ان گنجه ای جامعه، تحمیل کرده است. بهائوسی ایران از جنگل امپریالیسم بدون آزادی طبیعت های سنده به مکن نیست.

علیوم تبلیغات سو تو زبان آور هیبت حاکمه و دولت سرپایه داری علیه بخش های ارگان انقلاب حاضر، جنبش انقلابی نیز به در ماه پس از قیام از جنبه های مختلف پیش روی می‌کند. جنبش انقلابی توده "علیوم است که در دیوان سلازی فریه دیده" دولت و هیبت فرمانده ملی طبقه حاکم نظامی مانند از زمانی که آقای بازگان جنجال بیراهین "نیرو" های تفرقه انداز" را در پیام و در میان حسود برده انداختند. نظورش تفرقه در میان حسود هیبت حاکم بود و نه در میان مردم - پیشروی انقلاب از طریق جنبش های مردم محسوس برزانه اتحاد خلیل ناپید بر کارگران - روستائیان، جمعیت سنده به و استشار شده را برای یکبار با امپریالیسم رویش می‌کنند و این واقعیت نقای میان طبقه "حاکم را تشدید کرده است. و لا یبین ترکین ها و سایر مردم ایران هیچگونه دلیلی برای تفرقه جوچسود نیست. مردم نیروان در هیچ زبان تلگرافی مردم سنده به و ترکین تاراج تیران را بخاطر ندارند. اما مردم ترکین یوزش مالک و زمیندار، حاضر ارتش شاهنشاهی و سوارانرا برای دفعه ها تعبیه کرده اند - امروز نیز که آنان علیه این عناصر ظلمیان کرده اند، دنیا سخنی که می‌تواند در میان باشد وحسود کلام و عمل و همبستگی سراسری همه زمینگشان ایران با برادران هم طبقه و سنده به خود است.

در ایل نیوه که آقای بازگان در پیام

۶۲ سال قبل ، در ۳ آوریل ۱۹۱۷
لنین واره ایستگاه فتلاب در پتروگراد
انقلابی شد - چنانچه خواهیم دید ، روزه
همین یک نفر نقش بی‌شمار کننده در تسخیر
انقلابی روسیه و پیروزی انقلاب سوسیالیستی
انگیزه‌باری خواهد نمود .

لنین در مرحله حساسی وارد روسیه
شد ، یک ماه از سرنگونی مملکت تزار توسط
فرمانده یار بود ، در آن قیام -
توده‌های سرباز - که اکثریت آنان دهقانان
بودند - به کارگران انقلابی پیوستند و در
اتحاد با یک دیگر بساطت اشتباهی نسازار و
درهم نوردیدند - و با زور اتحاد با یکدیگر
"شورای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه"
را تشکیل دادند -

"لنین استازان" یک روزنامه سگبار
آمریکایی که در اوایل کنگره این شورا شرکت
داشتند - تصویر خود را از آن چنین توصیف
می‌نماید :

"اولین باری که به تالار عظیمی که محل
تشکیل جلسه اولین شورا بود رفتم - بسوی
گفتم جمعیت که در درون بود - مانند
شبهه ای می‌نمودند که - می‌نویسند و مناظره می‌کردند
که در حال صعود بود و به این می‌مانست که
از یک گاه گاه بلند می‌شود ، بالای منبر
می‌نماید ، که می‌نویسند و مناظره می‌کردند
بسیار آهسته در آنجا زندگی می‌کنند و
بویا که وارد می‌شوند - در هر مینویسند
آنها در همانجا غذا می‌خورند و در همانجا
می‌خوابند - و انسان می‌نویسند و می‌نویسند
ببیند که در گوشه کنار تالار خواهد بود -
کسی حساب بلند و زبان در دستش نبود ،
این‌ها می‌نویسند و می‌نویسند ، دراز می‌کشند
و اکثریت در حال خواب می‌نگذاشتند تا به
دستور جلسه ادامه دهند - پس از استراحت
بیدار می‌شدند و مناظره می‌نمودند و لا ینقطع
را ادامه می‌دادند ، ولی آنان - آن نبودند
که وارد می‌شدند ، به نتیجه هم می‌رسیدند -
تا چنانچه اختتامی برای آن می‌شود -

"اولین قانونی که برای نمایندگان - این
توده به بزرگترین بود - آنها را بالاتر
از مثل تیز و دشمن با قرار داد و ایستادن
فانون بود بر سرده اندام ، انگار که بشیر در
حالت طبیعی خود از کشتن بیزار نبود و
رویه‌ها را بر گردنای مردم دست می‌زدند ، مردم
بر آنها حکومت کنند -"

پس از "انقلاب لنینی" شوراهای در
سراسر روسیه می‌پدید آمدند - در شهرها ، در
نواحی کارگری ، در روستاها و بیابانها ،
شورای سراسری روسیه تشکیل شد - پس از
پیروزی تمام - قدرت واقعی خلا در دست
شوراهای محلی و منطقه‌ای بود و از همان آغاز شروع
به تصمیم گیری در امور سیاسی کشور نمودند
خود به اجرا درآوردند - در حقیقت لنین
شوراهای می‌نویسند ، اساس حکومت کارگران و
دشمنان و حکومت آنان را تشکیل دهند و
شوراهای توسط احزاب رهبری می‌شدند گه
مایل به چنین کاری نبودند ، و حزب پس
مشورت های سوسیالیست های دست -
راستی (و دیگری سوسیال ریویوسیونرها
چیزی با پایه های دقتانی ، در رهبری
شوراهای دارای اکثریت بودند - آنان پس از
پیروزی انقلاب لنینی ، قدرت را در دست می‌بردند
سرباهای دارن لیبرال که تا آخرین لحظه با
انقلاب مخالفت ورزیده بودند نقد می‌کردند
"حکومت بوفه انقلابی" را که یک حکومت
سرباهای داری بود می‌پنداشتند - انسان
معتاد بود که انقلاب ناشی از مرزهای
مختلفه دارن لنینی بود و انقلاب سوسیالیستی
را متعلق به دوران ناپلئون و دوری معرفی
می‌کردند -

موضع بلشویک‌ها

بلشویک‌ها که در اکثریت ناشی از جنگ
جهانی اول و مصلحت پسین تزاری به انسان
اکثر تشکیلات خود را از دست داده بودند ،
در استیغ در شوراهای یک اقلیت می‌نویسند -

بازگشت لنین به روسیه



نقطه عطفی در تاریخ بشر

علی گلسان

" هرگز بر جنگ نیست - شمار ما فشار بر سر
حکومت موقت برای مجبور ساختن آن - - - به
گوشش و در جلب کشورهای متخاصم بسیاری
انظار از اوقات تفریحی است - - - تا آنکه
کلیه سربازان در سنگر مبارزه خود با هم
خواهند ماند -"

این انقلاب مبارزه با ارتجاع از حکومت
سرباهای داری و حمایت از آن و با وارد کردن
فشار بر حکومت موقت برای هائیکه - و فیفا
آن چیزی بود که لنین پس از بازگشت به
روسیه علیه آن در حزب بلشویک به مبارزه
برخواست - و فیفا همین مبارزه - بین حزب
بلشویک بود که بازگشت لنین به روسیه را به
نقطه عطفی در تاریخ تبدیل نمود -

بازگشت لنین

بخشی از کینه مرکزی حزب بلشویک مرگ
از لنین با همکاری زیووف که در خارج از
روسیه در تبعید بسر می‌برد و همچنین ارگان
مرکزی آن یعنی روزنامه سوسیال دموکرات ، در
حقیقت در انقلاب بلشویک روسیه را زنده کرد -
این مرکز تبعید در تبعید با همکاری لنین و
هنگار و همسر لنین و معهودی بلشویک
تبعیدی دیگر کارهای خود را انجام می‌دادند -
پس از اینکه خبر پیروزی انقلاب لنینی به
این مرکز رسید - همگی برای بازگشت به دست به
کار شدند - پس برای سفر به روسیه با مسافرت
از انگلستان عبور کردند و انگلستان به انقلابیون
روس برای عبور می‌داد ، لنین استوا و
انسان ریش‌ها برای بازگشت به روسیه را در
نظر گرفت ، پاسپورت جعلی - پاسپورت
خارجی - تغییر ظاهر با دقت و تمیل و حاشی
سفر با گذرنامه یک اسکانه تزاری کسروال
ولی کلیه این طرح ها یکی پس از دیگری
فرمان ممکن شناختند و بدور انداخته شدند -
لفظ یک راه باقی می‌ماند - و آن عبور از آلمان
و به کمک دولت آلمان بود - ولی حتی فکر آن
هم انقلابیون را به وحشت می‌انداخت - هرچه
باشد آلمان در حال جنگ با روسیه نبود -
گلدگروتن از دشمن قطعی می‌نویسند ، پاسه
ایجاد انواع افتراها و برچسب ها گردان این
شک و تردید بی اساس هم نبود - و در مساه
لویه اینها ۵ ماه پس از پیروزی انقلاب لنینی
پس از اینکه حکومت موقت حمله خود را آغاز
خود را علیه بلشویک ها آغاز نمود - ایستادن
بروجسب و افتراها را در مرکز حلات خود قرار
داد ، بلشویک ها را "سوسیال آلمانها"
خواند و به تعقیب آنان پرداخت - بطوریکه
لنین را بنیادین محض می‌دانستند و تروتسکی سه

تشکیل می‌دادند - ولی به تراز آن موضع
سیاسی بلشویک ها پس از انقلاب فوریه بود -
با اینکه این حزب موضعی چپ تر از اوتشون
اتحاد کرده بود مع الوصف سیاست هایش
نسبت به "حکومت موقت" مهم و در عمل
حیات از آن بود -
بطور مثال ، در جلسه اول مارس هیئت
اجرائیه شوراهای که در آن مسأله نفی شد
به دست می‌آورد آن سرباهای دار مطروح
شده بود - حتی حتی نفر با این امر مخالفت
نمود - بطریق اینکه از ۴۹ عضو هیئت اجرائیه
۱۱ نفر بلشویک و با از طرفداران بلشویک ها
بودند - در جلسه خود شورا در روز بعد نیز
از ۴۰ نماینده حاضر در جلسه ، فقط ۱۶
نفر علیه اختیار قدرت توسط سرباهای داران
رای مخالف دادند با اینکه ۲۰ نفر بلشویک
جزو نمایندگان حضور داشتند -

شلیاویچکوف ، یکی از رهبران حزب
بلشویک در استیغ در پتروگراد بود ، در
مورد فیم بلشویک ها از این انقلاب به حسا
چنین نوشتند : " تا هنگی ما منشویک ها موافق
بودیم که در حال گذار از دوران فوریکشن
روابط توده‌ای هستیم و اینکه جای این انواع
و اقسام "آزادی های" مشخصی بواسطه
سرباهای داری به به خواهد آمد - و روزنامه
پراودا که متعلق به بلشویک ها بود در اوایل
شماره خود پس از انقلاب لنینی نوشتند :
"مسأله اساسی ایجاد یک جنبش رهبری
دموکراتیک است -" به عبارت دیگر از نظر
رهبری بلشویک ها در آن زمان مسأله تعیین
و اصلاح "حکومت موقت" از اشتباهات مطرح
بود و نه تسخیر قدرت به دست خود کارگران
و دشمنان -

در اواسط ماه مارس ، یعنی حسیست
پانزده روز پس از پیروزی انقلاب فوریه -
استالین و کامیف ، دو تن از رهبران حزب
بلشویک که در تبعید بسر می‌بردند به
پتروگراد بازگشتند و اداره روزنامه و حزب
را بدست گرفتند - سیاست جدید لنینی
موانع مخالفت کارانه تر از سیاست قبلی خود
بود - استالین و کامیف که ادعا می‌کردند
روزنامه پراودا اساسی چپ روانه اتحاد
نموده است - هیئت تحریریه قبلی را کنار
زده و خود جای آن نشستند - هیئت
تحریریه جدید طی اعلامیه‌ای مواضع خود را
به این شکل بیان نمود : بلشویک ها قاطعانه
از حکومت موقت تا آنجا که علیه ارتجاع است
دولت مبارزه کنند - "حیات خواهد گذرد -
در مورد ادامه شرکت روسیه در جنگ جهانی
اول نوشتند که "معنا ما - شعار می‌باشد

زند انقاد -
ولی لنین صمم بود که هرطور شده به
روسیه بازگردد - به این ترتیب فرار او بی
"هیئت تحریریه یک روزنامه انقلابی" و
امپراطوری آلمان بسته شد - دولت آلمان تقبل
نمود که یک "قطار در بسته" در اختیار آنان
بگذارد - به این معنا که به هیچوجه مسافرت
و اتشاه و گذرنامه های آنان بازرسی نگردد و
در عین حال در طی سفر هیچکس حق ندارد
به قطار تداشته باشد - گروه تبعیدی نیز
قول داد که پس از بازگشت به روسیه برای
آزادی زندانیان غیر نظامی آلمان و متحدین
جنگ آن تلاش نماید -

در عین حال ، بلشویک های تبعیدی
اعلامیه مشترکی نیز با چند تن از انقلابیون
آلمانی منتشر نمودند - "انترناسیونالیست -
های روسیه که اکنون حاضر روسیه برای خدمت
به امر انقلاب هستند ، به ما در مبارزه طبقه
کارگر با کوششها و بخصوص آلمان و اطرفین
طبقه حکومت های صهیون گت خواهند نمود -"

استقبال لنین

ایستگاه فتلاب واقع در پتروگراد به
هنگام ورود لنین از جمعیت سیزده هزاران
نفر متشکل بود لنین بود - ده - سته هسای
تعداد سربازان از شوراهای خود با لباس
نظامی حضور داشتند - مردم های مسیح از
جبهه آرزوان بود - شمارهای انقلابی در
تمام اطراف ایستگاه نصب شده بود - زره پولی -
بلشویک ها در جلو ایستگاه صف کشیده پیوستند و
بلشویک ها نیز نورانی فرام آورده بودند تا
جبهه رهبر خود را بیچ تر نشانند -
لنین دقیقا می‌دانست که در نقطه ورود
چه چیز در انتظارش خواهد بود - پس از
ورود اظهار داشتند متشکر بود به زندان
ببندد - او هیچ گونه ایجابی به دموکراسی
و انودی حکومت موقت نداشت -
بعضی اهل لنین از قطار پیاده شدند ،
یکی از نمایندگان استیغین بدنه گل کوچکی
در دست او نشود - هنگامی که او با هیئت ای
میوس به طرف اطراف انتظار می‌رفت کتا با
نمایندگان هیئت اجرائیه شورای پتروگراد
ملاقات کرد - این دسته گل بسیار ناخوش
می‌آمد -

هر چه که یک منشویک بود ، تلقی کوناهی
کرد و طی آن ورود لنین را خوش آمد گفت و
از او خواستند از حکومت فعلی حمایت نماید
لنین با بی‌اعتنائی منظره پایان صحبت چه زود
شد - سپس صحبت کوناهی خطاب به حاضرین
کرد و سخنان خود را با این جمله خاتمه داد :
"انقلاب روسیه ضرر جدی را ننگزده است -
زنده باد انقلاب سوسیالیستی جهانی -"
لنین سوار بر یک زره پوش در تارگی تیب
بسوی مقر بلشویکها در کاخ "کنستانتینا"
که قبل از انقلاب متعلق به یکی از پادشاهای
دیار بود ، رهسپار شد - در طول راه -
هر پنج - جمعیت به طرف زره پوش هجوم
می‌آورد ، زره پوش می‌پستاد و لنین بیستام
انقلابی خود را تکرار می‌کرد -

وقتی که به مقر مرکزی رسیدند - لنین
فرستاده استراحت نداشتند - او چند تن بسیار از
پادشاه کاخ برای مردم سخنرانی کرد و سپس
برای مراسم خبر مقدم رسمی رهبران بلشویک
و نیز اظهار نظرات نقد مانی خود - به طبقه
پادشاه رفت - سواخونین ، یک سوسیالیست
مستقل که به همین حین متعلق نداشتند و
خود تنی را در مراسم جا کرده بود ، نوشتند :
"من هرگز ان می‌دانستم که شما را فراموش
کنم - که به تنها باقی مانده است و گنگان
خودین من - که یک خارجی بودم و برحسب
انقلابی در آنجا حضور داشتم - به - بلشویک
کلیه بلشویک های حقیقی را تکان داد و گنج
کرد - من اطمینان دارم که هیچکس انتظار
چنین حرف هائی را نداشت -"

لنین بطور کلی یک ناطق زور دست
بود - ولی ناطق عبارت ساده و برداشت
شده - تعابیر واضح ، گوینده و جذاب و
بشیر در صفحه ۱۳

۱۲۲ اسفند گذشته (مطابق ۱۲ مارچ) نوپوشتن سالگرد درگذشته کارل مارکس بود. خلاصه کردن نقلیاتی که مارکس یعنی کسی که سوسیالیسم علمی را بنیان گذاشت، بین الملل اول را پایه‌گذاری کرد و نحوه کار سیستم سرمایه داری را تحلیل کرد. در یاد مقاله کوتاه آنگار بدو نیست. ولی بهترین خلاصه‌ای که تاکنون از زندگی و کار مارکس و پا نوشته شده. سخنرانی فردریش انگلس، همکار و دوست دیرینه مارکس، در مراسم تشییع جنازه او است که سه روز پس از مرگش در آژانگ های گیت لندون ایراد شد. ترجمه این سخنرانی در زیر می خوانید.

انگلس:

سالگرد مرگ کارل مارکس

به یادگار و انقلابی است. با آنکه او اکتشافات خود را در علوم طبیعی که شاید در آن موقع هنوز نتیجه علمی آن قابل تصور نبود. بسا خوشحالی استقبال می‌کرد. ولی موقعیکه این اکتشافات با تغییرات فیزی و انقلابی در صنعت و زندگی تاریخ رابطه داشتند، خوشحالی او از نوعی دیگر بود.

مثلا او اکتشافاتی را که در رشته الکتریسیته و اخیرا توسط ماری کوری انجام گرفته بود از نزدیک دنبال می‌کرد.

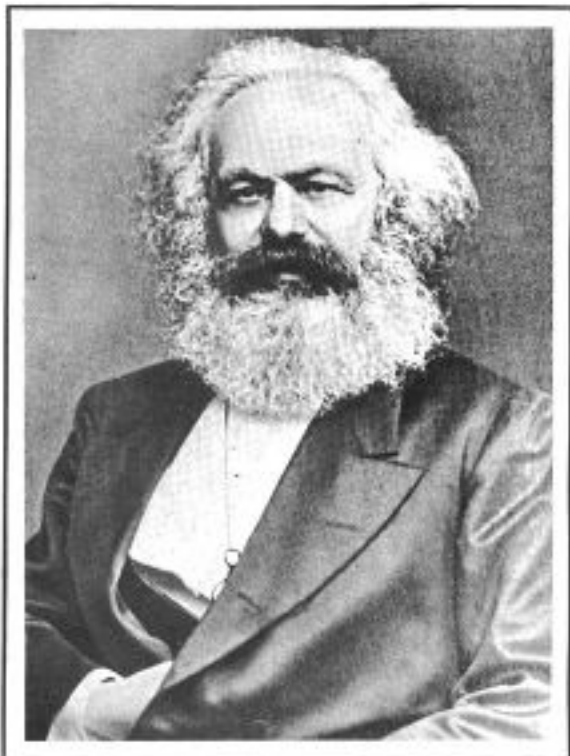
زیرا مارکس قبل از هر چیز یک انقلابی بود. مأموریت اصلی زندگی اش این بود که سرمایه داری و انواع حکومت های که از این سرمایه جابه جابه می‌شود آورده بود بعد برساند و در راه آزادی یولفاری اموزی بکشد. "مارکس اولین کسی بود که یولفاری را انبوهیت خود، ناپذیری خود و شرایطی که تحت آن می‌تواند به آزادی خود دست یابد، آگاه کرد.

عنصر وجودی مارکس جنگندگی او بود. او با شور، سرخشی و چنان بی‌پروایانه می‌جنگید که گسترش می‌توانست وقیتر باشد. کار او در حلقه "پیشانی یولفاریک در سال ۱۸۴۲، در "پیشانی چاپ پارسی در سال ۱۸۴۴، در "پیشانی یولفاریک سرکسل در ۱۸۴۷، "پیشانی یولفاریک در سالهای ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹، "پیشانی یولفاریک در سال های ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۱، و علاوه بر این ها انتشار تعداد زیادی جزوات، کسار در کلوب های انقلابی در پاریس، یولفاریک وجود آوردن انجمن بین المللی کارگران، آری حتی اگر مارکس هیچ کار دیگری هم نکرده بود، می‌توانست بحق به اینجا منتظر باشد.

تجربا مارکس در زبان خودش می‌نویسید شد بدترین نفرها و اقراها بود. حکومت ها، هم حلقه و هم چمپسوری، او را از زمین های خود شان اخراج می‌کردند. یولفاری هم نوع محافظه کار و هم سوسیال دموکرات افراسان، بر سر به نام کردند او. ما هم سابقه گذاشته بودند.

او تمام اینها را مانند تارکوتیو به کنار می‌زد. به آنان وقتی نمی‌گذشت و شبها یولفاریک صورت اچما می‌چسبیدی می‌کرد. به آنها جواب می‌داد. و حالا او مرده است. کسی که مورد عطف احترام و اکتین عزای ملینویسا کافرگ انقلابی از معادن سیبری گرفته می‌تواند کافرگیا در سراسر اروپا و آمریکا است، و من به عزای می‌توانم بگویم که اگر چه او معالمان بی‌شماری داشت ولی حتی یک دشمن شخصی نداشت.

نام او و کار او در اعمار باقی خواهد ماند!



حفظان فوئی، هم اقتصاد دانان بیولفاریک هم منتقدان سوسیالیست. در تاریکی به دنبال حل آن می‌گشتند. این دو کشف، برای طول عمر یک نفس کافی بود. حتی شخصی که موفق می‌شد به یکی از این کشفیات دست یابد، می‌توانست آدم خوشبختی به حساب آید. لکن مارکس،

در روز چهاردهم مارچ، یک بروج مانده به ۳ بعد ازظهر، بزرگترین متفکر زنده جهان از نظر بار ماند. او برای مدت کسار از دو دقیقه نینا گذاشته شده بود. بروج بر اجسته ما، بر روی صندلی راحتی خود در آرایش به خواب اید می‌فریفته بود.

با مرگ او جامعه علمی هم بی‌رونتاری ای مبارز اروپا و آمریکا و هم به علم تاریخ وارد شده است. شکافی که با مرگ این روح بزرگ ایجاد شده نبود، خود را نمایان خواهد کرد.

همانطور که در این قانون تکامل در طبیعت آلی را کشف نمود. مارکس نیز قانون تکامل در تاریخ بشر را کشف کرد. مارکس موفق یکشخص چیزی شد که تا قبل از او توسط رشد بیش از اندازه ایدئولوژی پوشیده مانده بود.

او موفق به کشف این واقعیت ساده شد که بشر قبل از آنکه بتواند بدنیال سیاست، علم، مذهب، هنر و غیره بود، اول حیضور استغلا بخورد. بیاشامد و لباس بپوشد داشته باشد. بنا بر این توله وسایل مادی اولیه زندگی و در نتیجه درجه توسعه اقتصادی که توسط مردم بپوشد و با خصوصی به آن دست نمی‌یابد می‌شود پایه های اصلی را تشکیل می‌دهد. پایه های مادی که بر فواری آن انواع حکومت ها، نظامی تارویی، هنر و حتی عقاید مذهبی این مردم تکامل می‌یابد. و تمام اینها باید بسازد اساس آن پایه های اصلی توضیح داده شده و نه برعکس، یعنی به شکلی که تاکنون بد اول بوده است.

ولی این کل مطلب نیست. مارکس همچنین قانون حرکت خصوصی را کشف کرد که بر نحوه اموزی کاپیتالیسم و جامعه یولفاریک که این نحوه توله آنرا خلق کرده، حکومت می‌کند. کشف مازاد ارزش یکباره این ساله را روشن کرد. ساله ای که تنسیام

سلطنت بیولفاری آگاه شده. از منابع اجتماعی خود آگاهی یافتند. به جاده عمل انقلابی راه بیابان. اقتصاد و مبارزه جاساسه رو آوردند. اما امروز، بعد از سرنگونی سلطنت بیولفاری، ستم و لگد مالی های امپریالیسم طبقه حاکم در افرایان بزرگ بعد از دیگری داده می‌شوند. می‌کند. امروز در هر کارخانه زمین مبارزات فیزی با چشم انداز و وظایف جدیدی برای بشری پیشروی انقلاب بواجب هستند.

چنان نیروهای سوسیالیست و انقلابی به اتفاق ها و تالارهای سخنرانی پیسر تحریف سیاستمداران سرمایه دار، بلکه چاین و همبریان و بیسگامان انقلاب ما، در شهرها، کارخانه ها، ویسناها، در میان جوانان کارگران و محصلین دوخته شده است. بلکه از تمام انقلابی بیمن باه، جنبش آزادی طلب زبان را دیده ام که دولت موفق به سرکوشی آن نشد. کردستان را دیده ام که کشتنار ستنج را دیده و از پا نشسته. ترکمن صحرا چنین است اما از مبارزه باز نمی‌ایستد. در سراسر جامعه جوش و خروش انقلاب در پیاست نمی‌تواند. توده عظیم دارد. در شرایط نوین بر توهمات خود غالی می‌شود، تجربه زندگی واقعی و مبارزات جاری دارد. همه را از نیاز

... انقلاب پیش مبارز (سرمطالع)

سازیه مستقل زمینکشان متقاعد می‌کند. راه سیاستمداران دولت سرمایه داری، تعریف حقایق، تهدید و ارباب است. راه انقلاب، همیشگی با گنیه مبارزات تنسیام. دیدگان است. راه انقلاب مبارزه برای گسترش دموکراسی در سراسر جامعه است. سیاستمداران سرمایه داری در هیئت دولت و دربار، جنگوگی تنسیام دولت استنادی قدیم جدا و چانه می‌زنند. توده عظیم دارد. برای کسب حقوق خود تلاش می‌کند. همه جا توده عظیم بدنیال خواست آزادی و مبارزه و تبادل نظر و تجربه است. دولت موفقیت انقلاب، به نیروهای دست راستی تنسیام می‌شود. شعارگرگه بیسگامان انقلاب، کلیه انتشار و طبقات تنسیام در ایران، همیشگی با کردستان و ترکمن صحراست. مسائل کنونی انقلاب، از خواست های کارگران تا بچگاران، از مبارزات طبقت هستی شده به تمام مبارزات زنان، از خواست های مردم تنسیام به روشناها تا محصلین و جوانان مسائل جدیدی را در مرکز کانونی انقلاب قرار داده است. رهبری جدیدی به دور کسب این خواست ها در حال موجود آید است. اینست ترازنامه واقعی انقلاب ما بعد از وفادارم غیر دموکراتیک دولت موفق. طریقی برانده هم انقلاب پیش.

... مبارزات بین

لظا بقا با معنی نبود. بلکه ناطق بود بسا قدرت و نفوذ عظیم. که ظاهریم و دستگاه های فکری بیولفاری به عناصر بسیار ساده و قابل فهم در می‌آورد و آن ظاهریم را تکرار می‌کرد، تکرار می‌کرد، تکرار می‌کرد. تکرار می‌کرد تا در نفس کشنده آن خود تکرار می‌کرد و آنگاه را گرفتار نماید خود می‌ساخت.

سوسیال دموکراسی با محکوم نمود و همچنین بین الملل دوم را که به حمایت از جنگند اخیرالمتین جیبانی اولی برخاسته بود، ضد انقلابی خواند. و نیز تمسک بین الملل جدید به هیچ پیشی در مورد صحبت نئین نشد. همه در جای خود خلت شده بسود نسیام. یولفاریک می‌نویسد: "به حیابان وارد شدیم با این اساس که گوئی با یک قدم کوب بسه سیر ضربه زده اند. فقط یک چیز باقیمانده است. برای من غیر حسی، جانی در کسار نیی وجود ندارد!" و واقعا هم جانی برای او نبود.

موجودیت قانونی حزب کارگران سوسیالیست باید به رسمیت شناخته شود

نامه زیر خطاب به آقای امیر انتظام معاون نخست وزیر دولت وقت، روز بیست و هفتم ماه گذشته از طرف هم روز مجاهدان پایتخت و بهرانی و احمد خمینی، دهه ای از رهبران و بنیانگذاران حزب کارگران سوسیالیست تسلیم دفتر نخست وزیر شد. در تاریخ تسلیم این نامه به مقامات نخست وزیر گفته شد که جزای این نامه بزودی در کتابخانه خواهد شد. ولی تا این تاریخ حزب کارگران سوسیالیست هنوز جوابی دریافت نکرده است.

اطلاع دفتر شما رساننده، وضعیت قانونی خود را تعیین کند. بدینوسیله ما، بنیانگذاران حزب کارگران سوسیالیست، درخواست می کنیم که حق این حزب به موجودیت قانونی رسمیت شناخته شود. در طرف ۵۰ سال اخیر، سلطنت پهلوی به نفع از منافع امپریالیسم غرب، با ایجاد سانسور عظام را، تیرور، تبعید، زندان و شکنجه و وضع قوانین استبدادی و خود سرانه حق تنگ در احزاب و گروه های سیاسی را به بهانه های مختلف طلب کرده، امکان نشستن اندیشه ها و تبادل آزادانه افکار را از میان برد. خلاصه آنست که قوانین ارجحانی که در بدو امر علیه گروهی خاص و برای مشخص هدف تدوین شده بود، بهانه ای برای سرکوب همه اجتماعات و آزادی برای ایجاد اختتام و محدود کردن دموکراسی در سراسر جامعه است.

امروز که طغیان انقلابی مردم ما در راه آزادی، سلسله دیکتاتوری پدیده ساله پهلوی را درهم زودید، انتظار هم روزی است که کلیه موانع از سر راه آزادی های سیاسی و اجتماعی برداشته شود و حقوق مسلم و سلب نشدنی کلیه مردم و گروه ها برای تجمع و فعالیت سیاسی تأمین و تضمین گردد. این شرط اولیه دموکراسی واقعی است که هر گروه، هر جمعیت و هر چیزی بتواند آزادانه عقاید خود را بیان داند و عقاید فعالیت کند تا هم مردم بتوانند آزادانه از دسترس به عقاید متنوع گوناگون برخوردار شوند. این شرط اولیه حاکمیت مردم است که در شرایط دیکتاتور دموکراسی، در باره احزاب و تشکلات برپا شده های گوناگون اطمینان حاصل گردد و تعلق خود را به ادیان اعلام دارند. هیچ نیروی دیگری نمی تواند خود را جایگزین آزاد مردم سازد.

نظریه ما، فوق، هرگز به محدودیت پدید آمدن از فعالیت پدید آمدن گروه سیاسی ایجاد کرد. جمله مستثنی به دموکراسی بطور عام است. نفس حقوقی فقط پدید آمدن گروه خاص است که نقض دموکراسی برای جامعه بطور کلی است. ما بنیانگذاران حزب کارگران سوسیالیست که در مسائلی استبداد علیه پهلوی، بیعت اختتامی حاکم، از امکان تجمع و تشکلات فعالیتات برای بیان عقایدمان مجبور بودیم، با مجبور به تحمل تبعید در خارج از کشور بودیم، اینک درخواست می کنیم تا حق موجودیت قانونی ما رسمیت شناخته شود و حق مسلم هم روز برای آشنا شدن با عقاید ما و نیز سایر گروه ها و احزاب متحرک تسهیل گردد. هم روز مجاهدان، پایت زهرانی، احمد خمینی بیستم اسفند ۱۳۵۷

بیکاری

چه کارگر نباید به مثل خود کار را ترک کرده باشد. مگر کسی از بیکاری هم خوشش می آید. چه کسی قاضی اینست که کارگر به مثل خود کار را ترک کرده یا به نیروی؟ ما، ماهیسی، ۲۵ تیرماه که استقامت خود هر کدام از افراد شش ماهه اجاره خانه شب افتاده داریم، از کجا باید هم؟

بیکاری همه کارگران حل شدن است. اینست مایه هم اکنون در مرکز مبارزات کارگران قرار دارد. و همه کارگران، چه آنها که کار دارند و چه آنها که بیکارند، باید علیه بیکاری و اخراج مبارزه کنند. چون آنچه هم که کار هست فردا شاید نباشد.

راه بیان دادن به بیکاری

راه حلی که تاکنون حکومت بوقت آنجا بازگای برای حل بحران بیکاری ارائه داده، اعتراض دادن نامیازنده نوام از ذخایر مالی ملتکند و وام برای سرمایه داران است تا مالی تطبیق برای سرمایه داران را بگیرند. به آنها گفته اند که کارخانه هایشان را راه بیاندازند. ولی این خیال باطلی پیش نیست. بحران فعلی از گریز بود که جنب سرمایه داران ناشی نمی شود. بلکه نتیجه مستقیم تصمیم آگاهانه سرمایه داران گریزند است که با حفظ اختلاف در تولید و با بخاطر فریب های خاص تر برای سودجویان سرشارتر، تولید های جامعه را از مجاری تولید بیرون کشیده اند.

کارگران باید بر علیه اخراج در هر کارخانه ای مبارزه کنند. اگر موسسه های می خواهد به بهانه اینکه کار کم است، بسا میزان تولید را پایین آورد یا صادرات باخارج ندهد ای کارگر بکش. با اینکه کرده است، کارگران باید به مبارزه برخیزند و با واگردان بخوار اخراج، کار موجود مابین همه کارگران تقسیم شود. یعنی بحوش کم کردن تعداد کارگران، ساعت کار هر کارگر باقی بماند. اگر لازمه است برای اینکه شیفت بوجود آید، البته اینکه کار باید بدون کم کردن بکشایی از دستزد کارگران، صورت بگیرد.

کارگران در حال حاضر با حاصل سیاست است بوری کارگران، ملی کردن کارخانه های که سرمایه داران حاضر بپایز کردن نوری آینه است. نیستند. تحت کنترل کارگران، معلق بودن نسبی از مؤسسات تولیدی کشور در حال حاضر با حاصل سیاست است آگاهانه سرمایه داران برای متارگد اشتغال علیه کارگزار است با این علت است که تولید مورد نظری در شرایط فعلی مورد آبر نیست. همچنان که در دلیل فوق نباید مانع باز کردن کارخانه ها و برآه انداختن دوباره تولید بشود. در مقابل ادعای سرمایه داران که میگویند در حال ورشکستگی هستند. کارگران باید تعاملی باز کردن و مختار حساب کارخانه را طرح بزنند. حتی اگر هم توانستند در کارخانه ای در حال حاضر سود آوری نیست این دلیلی برای متوقف کردن تولید نیست. بلکه نشان هر مد که تولید بخاطر سود بسیار است متوقف شود. و تولید بخاطر احتیاجات اجتماعی باید جاری آترا بگیرد. باز کردن دفاتر، و ملی کردن کارخانه های در دسترس تعطیل بدون پرداخت فراتر به سرمایه داران و فرار دادن آنها تحت کنترل کارگری تنها راه نجاتی بچران کوپی در تولید، و بحال عادی برگرداندن سطح تولید است.

۲- طغیان مناسب ساعات کار در سطح ملی باید سطح در بکار انداختن در سطح کارخانه ها مطرح می شود اینست که در برخی کارگاهها ممکن است سطح تکنولوژی و با آوری کار قدری پایین باشد که بکار انداختن نیروی کار جامعه در آنها صرفا نفعده کنونی کار باشد. در جامعه سرمایه آری چنین شرایط معمولاً در سطح وسیعی موجود است. وصول در دنیا در مالکیت خصوصی برنده مالکیت کارخانه نقب افتاده می شد پیش میجویند بخاطر حساب نمی کند که بکار انداختن نیروی کار در کارخانه ای تلف کردن نیروی کسار جامعه است. اسطه از حفظ مالکیت، بیپوره، بوری از آنست که بهر نحو و بهر قیمت کار

شده. باز کردن چنین کارخانه های طبعی مغرور بفرقه نیست. ولی چنین آنها شاید بقیه، بکارمانند کارگران آنها تمام شود. باید کارخانه هایی را که از تکنولوژی بالا برخوردارند، بکار انداخته، بر اساس شیفت های ۲ یا حتی ۳ ساعته امکان کار کردن همه کارگران در آنها را فراهم آورد. معاینه دقیق نشان می دهد با اینکه تنها میزان ساعات کار را پایین آورد، بلکه در همین حال، بعهد استفاده معلولان نواز نیروی کسار نقد از مطلق تولید، دست سزا را بالا برد. شش اجزای جامعه نوری ایجاد شده مانع

وسیع اجتماعی جامعه ما نیز با ستاینده از سلسله ایلیت و سرمایه داران بوده است. نبودن آن عقب افتاده گی فقط و نظر شدیدی اهمیت نوده های دستمزد کم و بیرونی است. اکنون که دولت مدعی برابری جامعه به نفع مردم است، با حذف افلام کلان بوجه چه که صرف تولیدات و خدمت به سرمایه داران می شود. چه کسانی در اختیار خواهد داشت که صرف راه انداختن می کند. نوده های شهر و ده از ایندانی برین خدمات اجتماعی، از آب آشامیدنی، از سگتین، از بسوق، از خدمات بهداشتی و آموزشی و حتی از شبکه های ارتباطی راه ها محرومند. شروع نسوری بکنگسه بیرونه ها، ایجاد راه های سزا سوری و ارتباط دعات با مراکز شهری، ساختن خانه های آزان قیمت و سوا کیفیت خوب، فراهم آوردن عقبه بهداشتی آب و لوله کشی تمام شهرها و دهات، تأمین برق و رساندن برق به تمام شهرها و دهات، ساختن مدارس و مراکز بهداشتی و سایر بیزه های از این قبیل هم جوانبوری نوازه های اجتماعی است و هم برای هزاران بیکار کوپی کار ایجاد خواهد کرد.

حکومت وقت با ارائه طرح های وام های کلان به سرمایه داران نشان داده است که روی بسوی تولید انبوه دارد و نه کارگران، برای حل قاطعانه مسئله بیکاری که هر روز بخشی وسیع از دستمزد کارگران را بکشد و لغات و گدایی می کشاند. لازم است کارگران خود تشکل شوند. باید در مقابل توطئه سرمایه داران که بین کارگران و بیکاران تفرقه می اندازند، گروهی را گریه می کشند و سانسور دستزد و بخشی بکشی دیگر را می برد. بی برون حمله قرار می دهند. سازمان های مستقل کارگران، سده پاکها بوجود آید تنها انگیز و بیکار و ده همسنگی کامل در مقابل سرمایه داران و حکومت آنها قرار دهد. سازمان های مستقلی که بتواند در مقابل سلسله سرمایه داران و دستمزد کارگران از منافع دستمزدان بطور کلی دفاع می خواهد کرد.

باید به وزارت کار جوابی نداشتند. با اینها هیچ کاره ام. وقت بچون: کارگران هم بر اساس اعتراضات بسیار خواست های خود را تنظیم کردند و خواست های آنرا نداشتند. برده اند با همون حقوق بیکاری. تهیه نوری کار برای کارگران بیکار روز گذشته ۲۷ اسفند دهه ای از کارگران بیکار در ادامه مبارزات خود در وزارت کار مشخص شدند. و روز بعد جین وزارت کار ترتیب نوری به خواست آنها نداد. دست به اعتراضات زدند. و اعلام کردند: «شا پای بیک کارخانه را ادامه می دهیم و به قول کارگری خود وفا داریم».

بعد از آغاز اعتصاب سازمانگان وزارت کار آینه و اعلام کردند غیول شده نقد از وام به ۱۰۰ نوام در ماه ۱۹۰۰ نوام بسوسای کارگران شامل بالا نبود. ولی شیوه تعجب و غریب دیگری هم اضافه کرده بود. مثلا برای کارگران ساختمانی این شرط گذاشته شده که یا در دفتر از متصدین محل گواهی کنند که کارگر واقعاً کارگر بوده و با خود آنان اشتغال در دوره های ساختمانی که منطقه کاران به ستاینده برپا شده اند استبداد کند!! کارگران نیز بار نرفتند و بسر بیرونه شدن کامل خواستهای خود با فشاری کردند. بعد گفته اند ام داد گفت انتصاب در تمام کش. بهرکه استان هزار نوام بعد هم (با ارائه مدرجه بهمه) گریه این پیشنهاد هم بر شد، اما گفته اند برای ضعیف کردن انتصاب بصفایه بیرونه که حاضر بود هزار نوام میداد و روان ای می کرد. حتی در چند نوام بود اید پول جلوی چشم کارگران انتصابی اجماع گرفت.

بالا حره آقای وزیر کار اعلام کرد خواست های کارگران را قبول دارد ولی باید سینه تعجب وزارت کار برساند. و تا آنوقت هم هزار نوام وام بدون بهره به کارگران انقلابی و همه کارگران بیکار می بدهد. به این ترتیب انتصاب نفاذ با مانع نیست. هم اکنون کارگران منتظر اقدامات بعدی وزارت کار می باشند. اما اقدامات وزارت کار اساساً تاکنون از پند و چیدمان نرفته. و به احتمال زیاد نخواهد رفت. مسئله بیکاری فقط با مبارزه وسیع و

تحتیجان و وام های کلان دولتی به مفتحان سرمایه دار و نه صدقه های کوچک بیکاری به میلیونها ورشکستگی اخراج شده ساله بیکاری را حل نخواهد کرد. در همین حال در جامعه کار هست. کارگران هستند. کاری که سود فراوان و بی حساب به جنب مفتحان بویزد نیست. زمینستان بود بچون بر مایه امر یافته و نتایج برای خواست های سرمایه داران و دولت مطلقند حقوق کارگران تعیین شده و امر اجری را در تمام مدت بیکاری تا آخرین دینار میزدانند. کارگران و زمینستان کسانی بودند که با فساد انگاری بهر وجه و بهر بخش خون خود این انقلاب را تا اینجا برساندند. و در این گویی است که بحران فعلی را بوجود آورده است. پس پار این چران هم نباید بحران کارگران گذاشته شد. کارگران به سرمایه داران که آنها می کنند ورشکسته هستند و پول پرداخت دستزد کارگران را ندادند جواب می دهند. دخترهای حساب دخل و خرج کارخانه ها را بوری کارگران حساب کنید. تا معلوم شود اصل کارخانه چقدر روبرود. و دستزد کارگران بچون بخاطر برنده و میزد، ۲- مقیاس متناسب ساعات کار بکارخانه ها.

برنامه مبارزه علیه بیکاری و اخراج کارگران

وحید نامر

۲- برای کارگران ساختمان باید حداقل یکسال در بیدارگاه بیره ششماهی وزارت کار کار کرده باشند.

۳- واقعا که بفره تراژ این می‌شود.

۴- سرمایه داران کارخانه ها را بسته اند و کارگران را با خیانتها رنجته اند. عمده کتوری ویلان و سرگسودان شده و خانواده شان از گرسنگی در خطر هلاکت قرار دارند و آقای فرجه، بچوس باز کردن فوری کارخانه ها و جبر کردن سرمایه داران بیه بهره اکت کامل حقوق کارگران در تمام مدتی که بیکار بوده اند، صدمت می‌دهند.



اجتماع روز ۱۵ فروردین کارگران بیکار در خانه کارگر

مسئله بیکاری و اخراج - امروزه مهمترین مسئله ایست که کارگران ایران را تهدید می‌کند - در حال حاضر در ایران در حدود سه میلیون نفر بیکار وجود دارد. حدود نیمی از کارخانه ها و مؤسسات در بحال تعطیلی یا نیمه تعطیلی بسر می‌برند. فقط در شهر تبریز بیش از ۱۰ هزار کارگر بیکار گشته اخیرا کار خود را از دست داده اند. وجود دارد - اخراج کارگران از کارخانه ها هنوز هم ادامه دارد.

طله اصلی بیکاری شده بدینگونه می‌باشد که در کارخانه هایی که هنوز در ایستاده هستند اضافه کاری به شد بدترین وجهی رایج است. در بسیاری از کارخانه ها کارمندان با بهانه اینکه نزدیک بند کارگران است احتیاج دارند صورت اضافه کاری حتمی بیشتری را طلب کرده اند. و این در شرایطی صورت می‌گیرد که سه میلیون نفر بیکار و گرسنه و عده ای حتی در خطر هلاکت قرار دارند.

طله این بیکاری وسی این نیست که مردم و جامعه به کلاهالی که این کارگران می‌توانند تولید کنند احتیاج ندارند. هم کارگران بیکار ما در شد بدترین منطقه بسر می‌برند. نیاز مردم به هرگونه با احتیاج زندگی احساس می‌شود.

طله این بیکاری بحران سرمایه دارانه - بحران نظامی که در آن تولید بخاطر سقوط صورت می‌گیرد. و سرمایه داران بخاطر خالص

- ۱- سقاروام ۲۵۰ تومان در مساله
- ۲- ۱۰۰ تومان برای افراد متأهل معصومه ۵۰۰۰
- ۳- تومان برای هر کودک تا ۱۰۰۰ مدت شش ماه
- ۴- کارگران عیال بی ۲۶ تا ۶۰ سال
- ۵- باشند
- ۶- یکسال بدین حق بیه بود اختیسه
- ۷- به جیل خود از کار دست نکشیده
- ۸- باشند
- ۹- در خانواده شان همه بیکار باشند
- ۱۰- شرکت در کلاسهای آموزشی شرکت کنند
- ۱۱- داشته باشند
- ۱۲- بعد از پیدا کردن کار باعاشه ده
- ۱۳- رخصت حقوق خود را بابت وام دریافت کنند
- ۱۴- بپردازند

خود حاضرند میلیونها نفر را به ورطه گرسنگی و هلاکت بکشاند.

مبارزات غیرممانه ای که کارگران بیکار با از خود گذشتگی بی نظیری سازمان داده اند - با مقاومت سرمایه داران و دولت روبر شده و تا چنان جانی نرسیده است - در تبریز حتی جپای بدست و تنگنهی سرمای سرخسودان و جلسات کارگران بیکار فرستاده اند - مبارزات اخیر کارگران بیکار در تهران عیال بدست و در شمال این مسئله نمر را به ورزش آشکار کرده -

راه اصلی که دولت ابتدا بسه کارگران پیشنهاد کرده بود اختیام از صندوق تعاونی از محل اوقاف، تحت نظارت پنج نفر از معتمدین - مراجع تقلید - اسناد آید اشگاه و غیره - با شرایط زیر بود -

کارگران:
عاصفه نمی‌خواهیم، حق ما را بدهید

روز سه شنبه ۲۹ اسفند عصبه ای از کارگران بیکار در وزارت کار جمع شدند و دستجمعی به این شرط و شروط خشک و اعتراض کردند - "چرا به ما وام می‌دهند مگر ما گدا هستیم" - بهره اکت حق بیکاری حق مسلم است - "این شرایطی سخته سخته که ام است" - بهره دارها باید از گرسنگی بگریزند - "این شرایط را می‌توانیم بپذیریم چرا ما بندگان کارگران در تصویب آنها شرکت نداشته - عجب دیوارهای! - صندوق تصویب می‌شود چرا تحت کنترل بیگانگان و آتشگاه باشد - مگر ما خودمان آدم هستیم" - یعنی

بقیه در صفحه ۱۵

به ضرب و شتم فروشنندگان «کارگر» خاتمه دهید

همچنین در همان روز عده ای تحت عنوان "سازمان مجاهدین آزادی ریاست به حزب الله" یکی دیگر از فروشنندگان «کارگر» را بازداشت و به گفته انقلاب واقع در خیابان طالقانی (شاه سابق) می‌بردند - در این گفته ۲۴ دانشجو کارگر که همراهِ ایشان شخصی بوده، ضبط می‌کنند - در رسیدی که به فروشنده «کارگر» داده می‌شود - دولیل ضبط "عدم انقبالی بودن عصبه نامه" سوسیالیستی کارگر" ذکر شده است!

بیکار دیگر در روز چهارشنبه ۴ فروردین در نفر مسلح سوار بر یک جند لور، در نظر از توزیع کننده گان «کارگر» در تقاطع خیابان خمینی و تربیت دستگیر می‌کنند و به محصل نامعلومی می‌برند - این در نفر پس از اینکه ۵ ساعت در این محصل نگه داشته می‌شوند - سازمان آزاد می‌گردند -

با اینکه اینگونه حملات به طرفداران نشریه «کارگر» بارها در مطبوعات کشور چاپ و ثبت نگردیده است - مع الوجود تا کنون کوچکترین اقدامی از طرف دولت آقای بازرگان برای حمایت حقوق این افراد و پاسا اعتراض به بازداشت های مکرر می‌باشد - آنان که صیفا بر میانی بخش بیسود - صورت گرفته و با هیچگونه تعلق برای دستگیری آنها نمی‌که به فروشنده گان نشریه حمله ور می‌شوند - انجام گرفته است -

حزب کارگران سوسیالیست طی اعلامیه ای که چاپ نموده این گونه حملات را محکوم نموده و از دولت دولت خواسته است که علیه اینگونه احمقانه ها به حقوق افراد و احزاب الفساده نماید -

های اهواز بود - یک راننده تاکسی بقصد نیز گرفتن او به او نزدیک می‌شود - ولی موفق می‌شود فرار کند -

شده بدترین این حملات اخیرا به سه نفر از فروشنده گان «کارگر» توسط گفته امام اهواز صورت گرفته - عده ای مسلح این ۳ نفر را دستگیر کرده - ابتدا به گفته استناد اوری و سپس به گفته شیوخ خورشید بردند - در آنجا افراد گفته فلنگ های انبساط خود را مستقیما تریه - این سه نفر تریه و آنتیان را تهدید به قتل نمودند - حاضران گفته همچنین به آنها گفته که هنگامیکه پانسان را از اینجا بیرون می‌گذارید - خونتان پای خودتان خواهد بود - و این یک حمله و تهدید به ترهالی بود - این سه نفر در هنگام خروج با یک گروه ۱۶ تا ۲۰ نفری از جاقو - کفان که انتظارشان را می‌کشیدند - روپوش گشته که با چاقوهای خود در دست آماده ایستاده بودند - گروه آنها نیز جاقوهای خود را به تن این سه نفر مالیده و می‌گرسند که دمعه آینه - آنها را به قتل خواهند رساند - حاضران گفته در طول این صدمت صورت ناظران "بطرفه" شاهد این صحنه بودند -

یکی از تریه های دیگری که در آن فروشنده گان «کارگر» تحت حملات مکرر قرار گرفته اند - سربس است - نامش چشمه چشمه می‌باشد - به گفته های امام بردماند و به آنها بر حسب های مقاومت زده اند - در روز ۱۱ فروردین ۳ نفر را در چهار راه خمینی (شهبان سابق) گروهی به نام "گروه تریه ای" دستگیر نموده و به بازگاه تریه ای واقع در مسجد انگلیس می‌برند و به شدت چهار ساعت نگه می‌دارند -

به خانه مرض از لفظ و عوارضان فعال حزب نقض های مشکوک می‌شود و آنها پس از اخراج عیالود نشان مورد تهدید قرار می‌گیرند - این تهدیدات در یک مورد بصراحت تهدید به قتل بوده است -

مهندس خسرو مومند دولتمانی می‌باشد که کارگران ایران از فعالین حزب - پیوستن از دستگیری در حین فروش نشریه «کارگر» بدون هیچ دلیلی ساعت ها در بازداشت به بسر بوده اند - در مورد مهندس تریه - این امر تا زمانی نیست و او چند بار در معرض هتله گشته دستگیر شده است -

مهندس یکی از عوارضان حزب که نشریه «کارگر» را به هفتده شیرستان رفته حمل می‌نمود در گزارش تریه می‌شود حمله او با شش تفرار گرفته و با چاقو سخت جرحی شده است و تریه وی ضبط کرده شده است -

در شیر اهواز - دستگیری و بازداشت توزیع کننده گان «کارگر» بصورت روزمره در آمده است - علاوه حملات متعدد می نیز از حدود افراد ناشناس و مشکوک و همچنین از طرف گفته های امام به بارنده ازان «کارگر» صورت گرفته است - در روز ۱۴ اسفند - گروهی اربابشی به بدنامی که مشغول فروش «کارگر» در جلوس صورت نفت اهواز بود - با چاقو و تیغ در حمله می‌شوند - این عده سوار بر یک مینی بوس - در جلوی فروشنده گان ایستاده - طی حمله - روزنامه های «کارگر» را نیز گرفته و در جوی آب می‌اندازند - فقط حمایت و دخالت عده ای از کارگران و مأموران بود که جلوی حمله بیشتر این عده را گرفت - اخیرا هنگامی که یکی از فروشنده گان «کارگر» مشغول توزیع این نشریه به یکی از خیابان -

در یکی دو هفته اخیر - پیش از فرار خود - همزمان با افزایش عده های حکومت در باره دستگیری - مثلا نقض دستگاری و حمله به حقوق دستگاری افزایش یافته است - حکومت بوقت کلیه در مقاومت های بیرونی شکل آزاده انحراف - اجازه انتشار نشریات و فعالیت آزاده انکه گروه های سیاسی رانده شده است - ماسوا عقاید مختلف و زاده بو و نویزین گمانان ادامه دارد - آنها تنگنا - دهنده ترین خبر - مربوط به شکجه خمینی به هفتای جوان شانزده ساله طرفه از چوک های فدائی خلق بود که رنگ خطری جدی برای کلیه مردم آزاد بخواد ایران محسوس می‌شود -

ماجرا ی شلاق خوردن خمینی در هفتای تنها بدین مورد از موارد می‌شاری از حمله به ابتدائی ترین حقوق دستگاری است - این ایران است -

در این هفته دامنه حملات به احسا و عوارضان حزب کارگران سوسیالیست نیز گسترش بیشتری یافته است - یکی از دلایل آن انتشار شماره ویژه نشریه «کارگر» است که در آن - فرزند روح شومد موزکاتیک و حمله ای به حقوق زمینگهان خوانده شده است - تنها به حقوق بسیاری از فروشنده گان این نشریه توسط پاسداران گفته دستگیر شده اند - محسولان مثال - در تاریخ چهارشنبه هشتم فروردین چهار نفر در خیابان آذربایجان - سه نفر در روز ۱۱ آبان - دو نفر در خیابان فلاح دستگیر شدند و ساضها میوه با چاقوی قرار گرفتند - و نیز دیگر فروشنده گان نشریه در حال انجام کار خود با حملات بسیاری روپوش گشته که توسط مرض شامس بیوزا کتور صورت گرفته است -